

طهورا

فصلنامه فرهنگی قرآنی
کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

سال هشتم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۴۰۱
قیمت ۵۰۰۰ تومان

بنیان‌های عمیق فکری دانشجو

معرفی کتاب «سفر کوانتومی وال تنها»

بررسی کارکردهای تربیتی امید و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه قرآن

باغ چادر مادر

شهادت مادرم زهرا «س» افسانه نیست





برداشت و توقع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجو این است که فکر می‌کنیم دانشجو یک روشنفکر تمام عیارِ مسلمان است؛ متدیّن است.

۱۳۸۱ / ۰۹ / ۰۷

آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

الاسم

طهورا

فصلنامه فرهنگی قرآنی طهورا

سال هشتم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

مدیرمسئول: فاطمه سلحشور

سردبیر: ثمین توان

طراح و صفحه‌آرا: زکیه هزاره‌ای، ساناز زارع

هیئت تحریریه: زهرا شمشیری، لیلا حاجی، زینب مختاری،

اعظم نژاد مزارع بهبهانی، فهیمه رضایپرست، احمدرضا

پوردرویش، سیدمحمدامین آلیاسین، جمیله انصاری‌پور.

شماره مجوز: ۲۲۳/ک ن ش

لطفاً جهت همکاری با نشریه طهورا و کسب اطلاعات

بیشتر با شماره ۰۹۱۰۳۴۶۷۸۳۸ ارتباط برقرار کنید.



tahoorah.shirazuni



quranshirazu



quranshirazuni



Quranshirazu



<http://farhangi.shirazu.ac.ir>





فهرست



سخن سردبیر
۴



بررسی کارکردهای
تربیتی امید و نقش
آن در سلامت روان در
قرآن کریم
۱۱



شهادت مادرم زهرا
(س) افسانه نیست
۳۵



بنیان‌های عمیق
فکری دانشجویان
۵



همچو ریحانه
۳۰



شکست قلب خدا
۴۱



معرفی کتاب «سفر
کوانتومی وال تنها»
۸



باغ چادر مادر
۳۲



حافظ
۴۲



عقیله بنی‌هاشم
۱۰

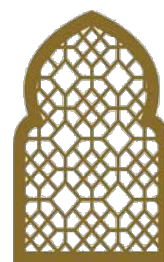


مهر افزون
۳۴





سخن سردبیر



ثمین توان

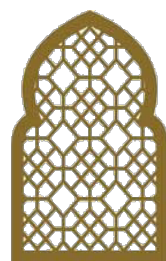
کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست

به غنیمت شمر ای دوست دم عیسی صبح
تا دل مرده مگر زنده کنی کاین دم ازوست

با شماره بیست و پنجم از نشریه فرهنگی قرآنی طهورا، در خدمت شما همراهان گرامی هستیم. تمام تلاش ما بر این است تا در حد توانمان بگوییم و بنویسیم از او که ربّ است و معبود. باشد که قلممان راهی باشد در راه شناخت او.





بنیان‌های عمیق فکری دانشجو

احمدرضا پوردرویش

کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه شیراز

حجت الاسلام دکتر محمد ملک‌زاده عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی می‌فرماید: دانشجوی انقلابی و دغدغه‌مند، رونق بخش جهاد تبیین در کشور است.

باشد تا بتواند دقیق‌تر به دغدغه‌هایش سر و سامان بدهد.

چکیده

از جمله شاخصه‌های ممتاز دانشجویان انقلابی و علاقه‌مند به رشد و پیشرفت کشور، تلاش و مجاهدت علمی در عین تقوا و بصیرت است، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، دانشجویان و دانشگاهیان در پیشبرد کشور به سمت اهداف متعالی خود در عرصه‌های مادی و معنوی، جزء اقبال پیشگام و اثرگذار بوده‌اند.

مقدمه
در واقع دو نوع دغدغه داریم؛ اول دغدغه‌های مطلوب که باید در هر فرد متعهد مانند یک دانشجوی مسلمان و آزاداندیش وجود داشته باشد و دوم برخی دغدغه‌های رایج در بین دانشجویان که قطعاً برخی از آنها حتی ارزش فکر کردن هم ندارند.

دغدغه اصلی دانشجو این است که پس از ورود به دانشگاه خط و مشی او عوض نشود و اعتقادات مذهبی‌اش را تغییر ندهد و از دین و مسائل دینی‌اش جدا نشود و هر روز بتواند بیش از روز قبل به فکر خدمت به مردم باشد و باید دولت و حکومت بتواند شرایط زندگی از جمله شغل و ازدواج را برای بعد از تحصیل برای دانشجو فراهم کند و تا دانشجو از لحاظ فکری در آرامش

یک دانشجو باید دغدغه اصلی و مهم خود را در کسب دانش و مهارت (در هر رشته تحصیلی) و در کنار آن بهره‌گیری از سایر استعدادهایش قرار دهد. هر انسانی برای کامل شدن نیاز دارد که به نیازهای چند بعدی وجود خویش پاسخ گوید. قطعاً ارضا کردن میل علم طلبی و دانش اندوزی به تنهایی نمی‌تواند انسان را در مسیر درست





ترقی و کمال قرار دهد. پرورش ایمان، تعهد به مردم و جامعه‌ای که از امکاناتش بهره برده است، شعور سیاسی و فهم روابط اجتماعی همگی باید از اولویت‌ها و دغدغه‌های یک دانشجوی مسلمان و آزاداندیش باشد.

متأسفانه برخی عوامل اقتصادی و فرهنگی موجب شده است تا حدی این اصول جدی و خط مشی‌های اساسی برای یک دانشجوی کم رنگ شود و تا حدی جای خود را به مسائل دیگر بدهد. قطعاً دغدغه‌های شغلی و نیازهای اقتصادی برای اکثریت دانشجویان ما که دانشگاه را به چشم محلی نگاه می‌کنند که باید بعد از آن وارد بازار کار شوند از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل امروز دانشگاهیان ماست. پس در واقع بین دغدغه‌های اصلی یک دانشجو و دغدغه‌های فعلی او تا حدی فاصله ایجاد شده است.

مهم‌ترین دغدغه

دغدغه مشکلات زندگی، انسان را از توجه به خدا و تفکر در فلسفه زیبای زندگی باز می‌دارد. دغدغه همه مردم، به خصوص دانشجویان مسئله بیکاری است و این باعث می‌شود که یک دانشجو بیشتر از آن که به تحصیل بپردازد، به مشکلاتی که بر سر راه خود می‌بیند، بیاورد و هر مشکل دیگری برای دانشجو با توجه به شرایط زمانی و خصوصیات خود دانشجو حاد می‌باشد و این مشکل باعث شده است که به هر کس که می‌رسی و از او علت ادامه تحصیل ندادن را می‌پرسی، با کمال افسردگی می‌گویی: آن‌هایی که رفته‌اند، چه کار کرده‌اند. هر چند که ما دانشگاه را فقط محل کسب نمی‌دانیم که از راه علم کار پیدا کنیم و این مشکل است که ما سال‌هاست با آن روبه‌رو هستیم که دشمنان این را برای ما به وجود آورده‌اند و ما را مصرفی بار آورده‌اند و این همه مشکلات باعث می‌شود یک دانشجو به همه چیز فکر کند؛ غیر از امر مقدس ازدواج که این هم، فسادهایی را در جامعه به وجود می‌آورد.

انواع دغدغه‌های دانشجو

دغدغه‌های دانشجو را می‌توان به سه دسته دغدغه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم‌بندی کرد.

دغدغه‌های کوتاه مدت عبارتند از: انتخاب واحد، حذف و اضافه، اساتید مربوطه، امتحانات میان ترم و پایان ترم، مشکلات زندگی دانشجویی، مشکلات

خانوادگی و مشکلاتی که ممکن است در دانشگاه برای دانشجو پیش بیاید و هزار و یک مشکل دیگر که ممکن است هر لحظه برای او اتفاق بیفتد. این گروه از دغدغه‌ها را می‌توان با خوب درس خواندن حل نمود و از خیلی موارد آن چشم پوشی کرد.

دغدغه‌های میان مدت: این نوع دغدغه‌ها که بخش اندکی را در بر می‌گیرند، نمی‌توان آن‌ها را به سادگی از بین برد و در بعضی موارد ممکن است به ترک تحصیل بینجامد که بیشتر مربوط به مشکلات خانوادگی است. مسائل عاطفی، اقتصادی و در مواردی مسائل فرهنگی از این نوع دغدغه‌ها است.

دغدغه‌های بلند مدت: این دغدغه‌ها که آینده فرد را در بر می‌گیرند، عبارتند از: دغدغه ادامه تحصیل، آینده شغلی، ازدواج، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و ...

مساله ورود به دانشگاه

ورود به دانشگاه، مقطعی بسیار حساس در زندگی نیروهای فعال و جوان هر کشوری است؛ لذا پذیرش نقش دانشجویی با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و انسانی جوانان همراه است و انتظارات و نقش‌های جدیدی برای آن‌ها به همراه می‌آورد. آشنا نبودن آنان با محیط دانشگاه و امکان وجود مشکلاتی از قبیل علاقه‌مند نبودن به رشته‌ی تحصیلی، ناسازگاری با سایر افراد در محیط زندگی و کافی نبودن امکانات رفاهی، اقتصادی و ... می‌تواند سبب بروز افت تحصیلی دانشجویان شود؛ لذا لزوم شناخت، مطالعه و بررسی مشکلات و مسائل دانشجویان برای پیشگیری از بروز مسائل ضروری به نظر می‌رسد.



مشکلات مالی عامل بروز آسیب‌های روانی

رابطه‌ی معناداری را میان درآمد افراد و آسیب‌های روانی آنها کشف کرد، یعنی دانشجویان (در این مورد به خصوص پسران) که در وضعیت اقتصادی نامناسب به سر می‌برند و در معرض ابتلا به آسیب روانی هستند و از سلامت روانی کمتری نسبت به کسانی که در موقعیت اقتصادی بهتری هستند، بهره‌مندند.

کار، اصلی‌ترین دغدغه دانشجویان

از میان مشکلات رفتاری دانشجویان (مشکلات شغلی، فرهنگ‌پذیری، عاطفی و تحصیلی) بیشترین سهم متعلق به مشکلات شغلی و کمترین سهم متعلق به مشکلات فرهنگ‌پذیری است و این درباره دانشجویان دختر و پسر یکسان هستند.

میان مشکلات رفتاری افراد و موقعیت تحصیلی آنها نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد به این معنی که دانشجویان هر قدر مشکلات رفتاری کمتری داشته باشند، موقعیت تحصیلی بهتری خواهند داشت.

به نظر می‌رسد که دغدغه یافتن شغل، مشکلات ذهنی زیادی را برای دانشجویان ایجاد کرده است و از آن‌جا که بیشترین سهم مشکلات رفتاری مربوط به مشکلات شغلی است در رابطه با دانشجویان شاغل می‌توان (تعارض نقش بین دانشجوی و شاغل بودن) را عامل ایجاد استرس برای آنها و در نتیجه بروز و تأثیر منفی روی موقعیت تحصیلی‌شان معرفی کرد.

در مورد دانشجویان غیرشاغل نیز ابهام و نگرانی در مورد آینده شغلی می‌تواند از عوامل کاهش انگیزه، ایجاد ترس و فشار بر دانشجوی باشد و تأثیر منفی روی موقعیت تحصیلی او بگذارد.

جمع‌بندی

شرایط حال حاضر کشور نشان داده است که دولت به تنهایی نمی‌تواند و قادر نخواهد بود که برای همگان کار ایجاد کند تا افراد، پس از تحصیل و کسب دانش، شغلی داشته باشند. آنچه به نظر می‌رسد در بحث، بیکاری فارغ‌التحصیلان و ناتوانی دولت به عنوان ایجادکننده مشاغل، حلقه مفقوده است «کارآفرینی» و «خلاقیت» است. اگر قرار باشد دانشجویان که عموماً از جوانی و شور و هیجان نیز برخوردارند نتوانند قوه «خلاقیت» خود را به کار ببندند و از دل آن طرح نو دراندازند

و این طرح نو را به مسیری هدایت کنند که از آن کار و اشتغال و تولید هم حاصل شود عملاً نمی‌توانیم از بن بست بیکاری فارغ‌التحصیلان خارج شویم. در همین راستا نیز ما باید بتوانیم فشار بیکاری را از دوش دولت برداریم؛ زیرا از یک سو دانشجویان انتظار دارند دولت معضل و دغدغه آنها را اولویت خود برشمرده و حل کند و اگر چنین نشود انتظار سرخورده جوانان عواقب نامناسبی خواهد داشت. هم باید بتوانیم بسترهای کارآفرینی را چنان فراهم کنیم که زمان زیادی در انتظار صرف نشود.

به همین دلیل نیز قوانینی نیاز داریم که حمایتگر و تسهیل‌کننده کارآفرینی باشند نه آن‌که به سمت فریبه‌تر کردن دولت و انحصارها دامن بزنند. بنابراین روز دانشجوی را نباید صرفاً به آرمانخواهی‌های معمول گذراند و اندکی لازم است به واقعی کردن بسیاری از حرف‌ها و شعارها پرداخت.

در شرایطی که امسال برنامه ششم توسعه راهی مجلس شورای اسلامی خواهد شد و در حالی که تنها ۱۰ سال دیگر تا به سرآمدن زمان چشم‌انداز ۲۰ ساله باقی است باید مسیرهایی طراحی و ایجاد کرد که دانشجویان بتوانند بر پایه خلاقیت و امور دانش بنیان، میان‌برهایی برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از زمان باقیمانده تا سال ۱۴۰۴ طرح کرده و خود نیز به اجرای آن بپردازند و گرنه نه آن قدر منابع در اختیار داریم و نه آن قدر فرصت.

در چشم برهم زدنی دانشجویان امروز که از انرژی و توان بیشتری نسبت به اقشار میانسال و مسن برخوردارند به جمعیت میانسال تبدیل می‌شوند و باز هم پرسش این خواهد بود که با خیل فارغ‌التحصیلان بیکار چه باید کرد؟ یا اینکه از مسئولان بپرسیم چرا بازار کار مورد نیاز خود را از میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بر طرف نمی‌کند؟

منابع

- دکتر احمد علی کیخا؛ گفت و گو با سایت خبر آنلاین.
- مجله پرسمان؛ ۱۳۸۳. شماره ۲۱.
- پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد سمیه جعفری آژیر با مشاوره دکتر هوشنگ نایبی و راهنمایی دکتر طیبه فردوسی؛ سایت ایسنا.

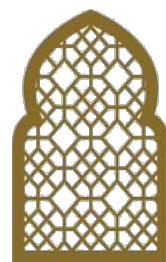




سفر کوانتومی وال تنها

ایمان سرورپور

معرفی کتاب «سفر کوانتومی وال تنها»



لیلا حاجی

کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه سمنان

برسی. این جمله را مرور کن، آن وقت دنبال بهترین‌ها می‌گردی، نه بهترین کتاب. «کسی که کتاب می‌خواند هزاران زندگی را قبل از مرگش زندگی می‌کند. کسی که هرگز کتاب نمی‌خواند، فقط یک بار زندگی می‌کند.» جورج مارتین

بهترین تو در هر لحظه از سفر زندگی متفاوت می‌شود و تغییر می‌کند. بهترین کتاب، کتابی است که در نقطه‌ای مرا نگه دارد. آن قدر نگه دارد تا نکته‌ای بیاموزم، حرفی یاد بگیرم، تلنگری پیدا کنم و در نهایت مرا به فکر وا دارد. کتاب‌های خوب، مؤلفه‌های خوب زیادی هم دارند. پس در هر اثر اگر چندین ویژگی خاص اولویت باشد به گمان من، کتاب برتر است. کتابی که در سفر زندگی با تو، کوله باری از تجربه و حس خوب بدهد، نعمت بزرگی است.

به نظر من بهترین کتاب وجود ندارد! درسته وجود نداره و در ادامه می‌نویسم که لفظ درست، «بهترین‌ها» هست. چرا که آدمی در مراحل زندگی، با هزاران نوسان، بالا و پایین روبرو می‌شود اگر فقط نسخه‌ای برای یکی از نوسان‌ها بدهیم چقدر نسخه ما ناقص و ناتوان است در بهبود حال فرد.

حالا کتاب‌ها همین طورند! کتاب مرهم روح و روان است. نمی‌توانی تنبلی کنی و فقط با یک کتاب نکته‌ها بیاموزی، نه باید همت کنی رفیق! باید بلند شوی و دست به کار شوی و کتاب‌های فراوان بخوانی. هر کتاب، گامی است برای پیشرفت و توسعه‌ی تو. دنبال نسخه‌های یک روزه نباش. دوی تو استمرار در کتابخوانی است. برای خودت چهارچوب نکش که محدود نباشی و به هر آنچه که دوست داری،

گاهی آن قدر جذاب و گواراست که حتی روزها بعد از مطالعه کتاب با آن کلمات مأنوس هستی و سطر به سطر را به یاد داری.

کتاب‌های خوب تو را، راه و مسیر نشان می‌دهند. نه که فقط بخوانی، سرگرم شوی و حالت خوب شود که این‌ها هم هست ولی در کوچک‌ترین بُعد جا می‌گیرند. کتاب‌ها هدف‌های متعالی زیادی دارند که ما به اندازه سهم و درک خودمان از آن‌ها بهره می‌بریم. ما تا آن‌جا که دردی از ما دوا کند و مرهم بر زخم‌هایمان گذارد دوستشان داریم ولی کتاب‌ها، تا همیشه ما را دوست دارند حتی وقتی سراغشان را نمی‌گیریم. بعضی کتاب‌ها به قدری دلنشین و جذاب هستند

در کتاب «سفر کوانتومی وال تنها» به قلم ایمان سرورپور جملات سخت و سنگین علمی، مفاهیم دشوار و عمیق و پژوهش‌های به روز دانشگاهی به بیانی ساده و روان و در عین حال زیبا و خواندنی بیان شدند. کتاب به قدری تأثیرگذار است که اگر بخواهم فارغ از معرفی، هدیه‌ای برای عزیز و دوستی در نظر بگیرم یکی از گزینه‌های ویژه من، تقدیم این کتاب است. امیدوارم شما هم مثل من لذت ببرید و دلخوش شوید به زندگی بهتر و روزهای عالی‌تر ...

با خودم فکر می‌کردم آگه از این شهر برم هیچ والی دلش برام تنگ نمی‌شه اما آگه نرم دلم برای خودم تنگ می‌شه. با تمام وحشتم از رفتن، اینجا. تو شهری که هیچ‌کس صدامو نمی‌شنوه. دارم غرق می‌شم. باید برم. شاید اینجوری صدامو پیدا کنم.

فصلنامه فرهنگی قرآنی کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز، سال هشتم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۱۴۰۱

م

فصلنامه فرهنگی قرآنی کانون قرآن و عترت دانشگاه شیراز

ISBN: 978-622-7313-96-3

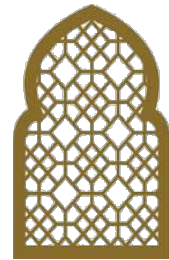
9 786227 313963

برای شنیدن بخشی از متن با صدای نویسنده اسکن کنید





عقیله بنی هاشم



زینب مختاری

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

به خورشید کربلا ارمغان داده و ما می‌دانیم که این بانو یک نفر نیست بلکه یک لشکر است برای اثبات حق و تجلی یک عشق پاک.

درود خدا و تمام قدسیان بر تو ای عشق حسین(ع). تو آن زینت علی مرتضی هستی که نام تو را یکتای بی‌همتا زینب نامید و این بشارت را به جبرئیل سپرد تا توسط پیامبر به همه اعلام شود.

ما دلدادگان تو امشب مهمان سفره اهل بیت (ع) هستیم تا عیدی ولادتت را از قمر بنی‌هاشم هدیه بگیریم و راهی کربلا شویم و بگوییم که فدایان حضرت زینب کبری هستیم.

به نام یکتایی که عشق را در پنجم جمادی الاول با خلق گلی از باغ محمدی تعبیر نمود قلم بر این صفحه قرار می‌دهم.

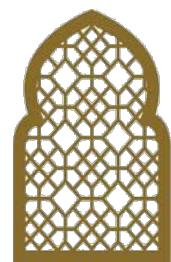
امشب آسمان را بنگر که زمین را به بهشت برین مبدل نموده است. تمام نگاه‌های عاشق را دریا ب که بر در خانه مولا امیرالمومنین خیره مانده و منتظر شنیدن بشارت ولادت بانویی آسمانی از زبان جبرئیل هستند. آن قدر محبان ولایت محمدی و علوی از قدم نهادن دختر صدیقه کبری به این جهان در تب و تاب هستند که نمی‌دانند شادی خود را چگونه با ملکوتیان تقسیم کنند.

مژده باد بر شاه کربلا که او را خواهری آمده و این بار جنس عشق لیلی و مجنون از نوع عشق خواهر و برادری است و عقیله بنی‌هاشم را خدا





بررسی کارکردهای تربیتی امید و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه قرآن



اعظم نژادمزارع بهبهانی
دانش‌آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

چکیده

داشتن امید به آینده یکی از موضوعات اساسی برای ایجاد آرامش و بهبود زندگی نایسامان آدمی است. در روان‌شناسی مثبت‌نگر، اعتقاد بر آن است که سازه‌هایی همچون امید، می‌تواند از افراد در برابر رویدادهای استرس‌زای زندگی حمایت کند. از سوی دیگر، با توجه به تأثیر جهان‌بینی هر فرد در جهت‌گیری و چگونگی زندگی آدمی، نمی‌توان از نقش دین در پیدایش امید چشم پوشید. امید به آدمی، شادابی، حیات و پویایی می‌بخشد. شادابی تن به شادابی دل وابسته است و شادابی دل در امید ریشه دارد.

مقاله حاضر به بررسی کارکردهای تربیتی امید و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه قرآن خواهد پرداخت. این مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بعضاً اینترنتی

تدوین شده است. از نتایج بارز این پژوهش، آن است که بسیاری از راه‌کارهای روان‌شناختی در رابطه با امید، در قرآن نیز موجود است و میان یافته‌های بشری و آموزه‌های وحیانی در این موضوع، اشتراکات بسیاری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، امید، سلامت روان

مقدمه

بشر در قرن اخیر به پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه فناوری و صنعت دست یافته است، ولی در کنار این دستاوردها، در میان عموم مردم، به خصوص جوانان، امید به آینده و فردای روشن رو به کاهش است. در نیم قرن اخیر، همواره تلاش روان‌شناسان بر درمان کمبودها و رفع ناتوانی‌ها بوده است، از سوی دیگر نیز





تأثیر دین و آموزه‌های دینی در زندگی انسان بسیار مهم، بلکه تعیین‌کننده است. به اعتقاد اندیشمندانی مانند شهید صدر، رسالت جهانی اسلام، پاسخ‌گویی به نیازهای روز و رفع شبهات است. از این‌رو، موضوعات مورد بررسی در دین، باید در عالم خارج بررسی شود تا از تجارب و راه‌حل‌های بشری استفاده گردد (صدر، سید محمدباقر؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه سیدجمال موسوی همدانی، ص ۲۵).

اهمیت و ضرورت بحث

پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی اگر چه فایده‌های بسیاری را به همراه داشته، اما موجب افول عواطف، انزوا و در خود فرو رفتگی انسان و جایگزینی غم و ناامیدی به جای شادی و امید گردیده است. در چنین شرایطی «امید» یکی از بهترین دست‌آویزهایی است که می‌تواند زخم روحی بشریت را درمان نموده و باعث التیام آلام او گردد. قرآن حقیقت امید را از منشاء لایزال الهی برای بشریت ترسیم نموده که موافق فطرت اوست. لذا پرداختن به موضوع فوق در جهت رسیدن به بهداشت روانی فرد و جامعه، اهمیت بسزایی دارد.

امید

امید در لغت به معانی آرزو، رجاء، چشم داشت، انتظار، و به معانی اعتماد و استواری (معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی جلد ۱، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، ص ۲۵۶، واژه امید) اشتیاق یا تمایل به روی دادن یا انجام امری همراه با آرزوی تحقق آن، توقع و انتظار روی دادن امری خوشایند، آنچه یا آن که باعث خشنودی و پشت گرمی است، تکیه‌گاه، محل پناه آمده است. در مقابل امید، یأس، ناامیدی و بیم داشتن می باشد (اکبری، حسن، و همکاران (بی‌تا)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: مهارت، ص ۵۷۲ - ۵۷۳، واژه امید، دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، لغت‌نامه جلد ۸، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۲۲، واژه امید). منظور ما از امید، امید داشتن است یعنی: افکار مثبت، باورهای مثبت، عواطف مثبت، و گرایش‌های رفتاری که سازگار با افکار، باورها و عواطف یاد شده.

امید در روان‌شناسی عبارت است از: ظرفیت ادراک‌شده برای تولید مسیرهایی به سمت اهداف مطلوب و انگیزه ادراک‌شده برای حرکت در این

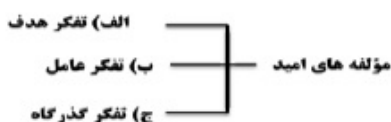
مسیرها. امید در لغت عرب و فرهنگ قرآن، به معنای انتظار امری محبوب و پسندیده است که اکثر اسباب و موجبات آن امر محبوب نیز محقق باشد. این واژه در زبان عربی مترادف با «رجاء» است (احمد بن فارس، همان، ذیل ریشه کلمه). نظریه امید در روان‌شناسی، یک نظریه شناختی - رفتاری است؛ چرا که مراجع از طریق آگاهی و شناخت خویشتن، به اصلاح رفتارهای خود برای رسیدن به اهداف می‌پردازد. مؤلفه‌های امید در این نظریه عبارتند از: الف) تفکر هدف؛ ب) تفکر گذرگاه: توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی هدف‌های مطلوب به رغم موانع موجود؛ ج) تفکر عامل: توانایی ایجاد انگیزه برای شروع و تداوم حرکت در این گذرگاه‌ها (علاءالدینی، زهره، ص ۳).

در قرآن نیز، امید مطلوب و پسندیده، به عنوان یک نظریه جامع که دارای ابعاد شناختی - رفتاری است، مطرح گردیده؛ زیرا خداوند با بیان راهکارهای اعتقادی، به اصلاح دیدگاه و اعتقاد فرد می‌پردازد و از طریق راهکارهای رفتاری، درصدد اصلاح رفتارهای انسان برمی‌آید (ر.ک: شوری: ۴۰). از منظر قرآن نیز، مؤلفه‌های امید عبارتند از:

الف) تفکر هدف: خلیفه‌اللهی و مظهر تجلی اسماء الهی بودن. سایر اهداف (دنیوی)، باید در ارتباط با این هدف اساسی باشند.

ب) تفکر عامل: انگیزه یا انرژی روانی لازم برای تعقیب هدف، ایمان و افزایش روح معنوی است. قرآن درباره افرادی که به خداوند ایمان کامل داشتند و از دشمنان نه‌راسیدند، می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳) که افزودن «هدایت» به سبب داشتن روحیه معنوی ایشان است.

ج) تفکر گذرگاه: مجموع تلاش‌های آدمی برای نیل به اهداف دنیوی و اخروی خویش؛ البته با فرض رعایت تقوا و اخلاص در انجام امور و به طور کلی، انجام کلیه کارهایی که موجب خشنودی خدا و پیامبرش می‌شود. همچنین پرهیز از ارتکاب معاصی و گناهان و هر آنچه که موجب خشم خدا و رسول او می‌گردد (ر.ک: توبه: ۷۱).



۱- مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی ایجاد امید

نحوه نگاه انسان به هستی و نظام آفرینش نقش مهمی در ایجاد امید دارد، زیرا خدا محور دانستن هستی و داشتن هدف برای آن، دو عامل اصلی هستند که انسان را نسبت به آینده و هستی خویش امیدوار ساخته و باعث می‌شوند انسان همواره شاد و خرسند باشد.

۱-۱- خدا محوری

خداوند سرچشمه هستی و تمام خیرات است. او بی نیاز مطلق بوده و هیچ کمبودی ندارد. خداوند محور تمام هستی است. ایمان و اعتقاد به این سرچشمه لایزال انسان را از پوچ‌گرایی به هدف‌گرایی سوق داده و باعث می‌شود انسان در خود احساس نشاط نیافته و هستی را از هست نمای خود بداند «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (مائده: ۱۷). اگر انسان خدا را مالک خود بداند هیچ‌گاه دچار تحیر و سرگردانی نمی‌شود. از نگاه قرآن اگر انسان خود را عبد بداند و خداوند را رب پس می‌داند که جهان صاحب اختیاری دارد که همیشه به هستی نظارت می‌کند. انسان در چنین نگاهی رها نیست بلکه همیشه در محضر خداست.

۱-۲- هدفداری نظام آفرینش

هدفداری هستی، یعنی هستی دارای وظیفه‌ای مشخص و مسیری از پیش تعیین شده می‌باشد که از جانب خداوند برای تمام اجزای آن معین گردیده است. به عبارت دیگر هستی در ذات خود دارای غایت است و چنان آفریده شده که ذاتاً وظایفش را انجام می‌دهد و به سوی غایت خود حرکت می‌کند. همبستگی نظام آفرینش نشان می‌دهد که هستی عبث و بیهوده خلق نشده زیرا خداوند حکیم است و کار بیهوده و عبث انجام نمی‌دهد. قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (ص: ۲۷) ما آسمان و زمین را با هر چه میانشان هست، بیهوده نیافریده‌ایم. این گمان کسانانی است که کافرند. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ» (دخان: ۳۸) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنها است از روی بازیچه نیافریده‌ایم. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مومنون: ۱۱۱) آیا گمان کرده‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نخواهید گشت.

باید توجه داشت که هدف خداوند از آفرینش آسمان‌ها و زمین بهره‌مندی کامل انسان‌ها می‌باشد. انسان با نیروی عقل که ودیعه‌ای الهی است، بهترین ابزار برای بهره‌برداری از جهان، آباد کردن زمین و حکومت کردن را در اختیار دارد و خداوند در این جهت راه و رسم زندگی را به او آموخته و انسان را از نافرمانی‌ها بر حذر داشته تا بتواند استعدادهای نهفته خود را آشکار نموده، به کمال مطلوب نائل شود و هیچ‌گاه دچار یأس و ناامیدی نگردد (حسینی کوهساری، ۱۷۳۷ش، ص ۱۲۳). بر همین اساس خداوند هدفمندی هستی را با تعبیری بیان می‌دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف: اعطای کمال وجودی به هر شیء و هدایت آن به سوی کمال: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۱۰) پروردگار ما کسی است که هر چیزی را آن گونه که در خور اوست خلق و سپس آن را هدایت فرموده است. ب: هدایت موجودات به سوی آنچه برایشان تقدیر شده است «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آن که اندازه‌گیری کرد و راه نمود (اعلی: ۲ و ۳). ج: نفی بیهودگی در آفرینش و اینکه خلقت حق است (ص: ۷۲؛ دخان: ۷۳) او کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. د: توصیف صنع‌الهی به حکمت؛ اقتضای این صفت هدفدار بودن هستی است «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى سَتُفْرَوُكٌ فَلَا تُنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى» (اعلی: ۷ تا ۱) نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آن که اندازه‌گیری کرد و راه نمود.

با چنین نگاهی به هستی است که امید به وسیله‌ای برای حیات تبدیل می‌شود. امید رحمت و هدیه‌ای الهی برای انسان است؛ زیرا انسان را فعال نموده، نیروی بیشتری جهت تولید و حرکت در آدمی ایجاد می‌کند و این همان حیات است. امید باید با در نظر گرفتن واقعیات، امکانات، حقایق عالم هستی، توان و طاقت فرد همراه گردد. این معیارها در حقیقت، نوعی اعتدال در امیدسازی ایجاد می‌کند و انسان را از امیدهای غیر واقعی، کاذب، کم ارزش و بی‌ارزش باز می‌دارد و او را واقعاً به امیدواری می‌کشاند



(محمدی ری شهری، ۱۷۳۳ ش، ص ۱۱).

دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم که کدام عملشان نیکوتر خواهد بود.

ب: رسیدن به خلیفه الهی

برخی آیات، هدف از آفرینش انسان را نیل به مقام خلیفه الهی و جانشینی خدا در زمین معرفی کرده‌اند «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) من پر آنم که در زمین جانشین قرار دهم. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده کرده که آنها را در این زمین جانشین کند.

ج: یاری پیامبران

در آیاتی دیگر هدف از آفرینش انسان، یاری خداوند و رسولان او مطرح شده است. «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» (حدید: ۲۵) تا خدا کسی را به غیب او و پیامبرانش را یاری می‌کنند، بشناسد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ» (صف: ۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید.

د: آباد کردن زمین

دسته دیگر از آیات هدف از آفرینش انسان را آباد کردن زمین مطرح نموده است. «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). او شما را از زمین پدید آورد و آباد کردن آن را به شما سپرد.

ه: عبودیت

در آیاتی دیگر از عبودیت و عبادت به عنوان هدف از آفرینش انسان سخن به میان آمده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). جن و انس را جز برای عبادت نیافریده‌ام.



با توجه به نگرش و اهمیت اسلام به تمام جنبه‌های وجودی و نیازها و استعداد های انسان بر اساس ملاک‌ها و معیارهای انسان شناختی آن، اهداف را می‌توان به سه دسته اهداف جزئی، اهداف واسطه‌ای و اهداف نهایی یا غایی، طبقه‌بندی نمود (اعرافی، ۱۷۲۳ ش، صص ۷۳-۷۰). کار هدف نهایی تنها تعیین جهت و مسیر است و تعیین چگونگی طی مسیر، تقسیم‌بندی و مرحله‌بندی مسیر به عهده هدف واسطه‌ای است و مقدمات آن را اهداف جزئی ترسیم می‌کنند.

از دیدگاه قرآن با فضیلت‌ترین امید، امید به رحمت خداست که عبارت است از انبساط سرور در دل به جهت انتظار امر محبوب و این سرور و انبساط را وقتی رجا و امیدواری گویند که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را تحصیل کرده باشد (نراقی، ۱۷۳۱ ش، ص ۱۱۳). از نگاه قرآن امیدی باعث بهداشت روانی می‌شود که با رویکرد رفتاری همراه گردد. رفتارها و واکنش‌های افراد، علاوه بر آن که در سلامت روانی خودشان به شکل مثبت و یا منفی تأثیرگذار است، می‌تواند در سلامت روانی افراد دیگر و یا عموم جامعه، به شکل مثبت یا منفی نیز تأثیرگذار باشد.

در حقیقت امید - از نگاه قرآن - بواسطه دو رویکرد شناختی و رفتاری حاصل می‌شود. در رویکرد شناختی توجه به مبدأ هستی، امید به رحمت لایزال الهی، عدالت، یقین به لطف و بخشش خدا و ... مورد نظر است و رویکرد رفتاری، انجام رفتار شایسته و به هنجار است و در حقیقت معرفت‌های بنیادین به همراه رفتار شایسته باعث امید و بهداشت روانی می‌شوند.

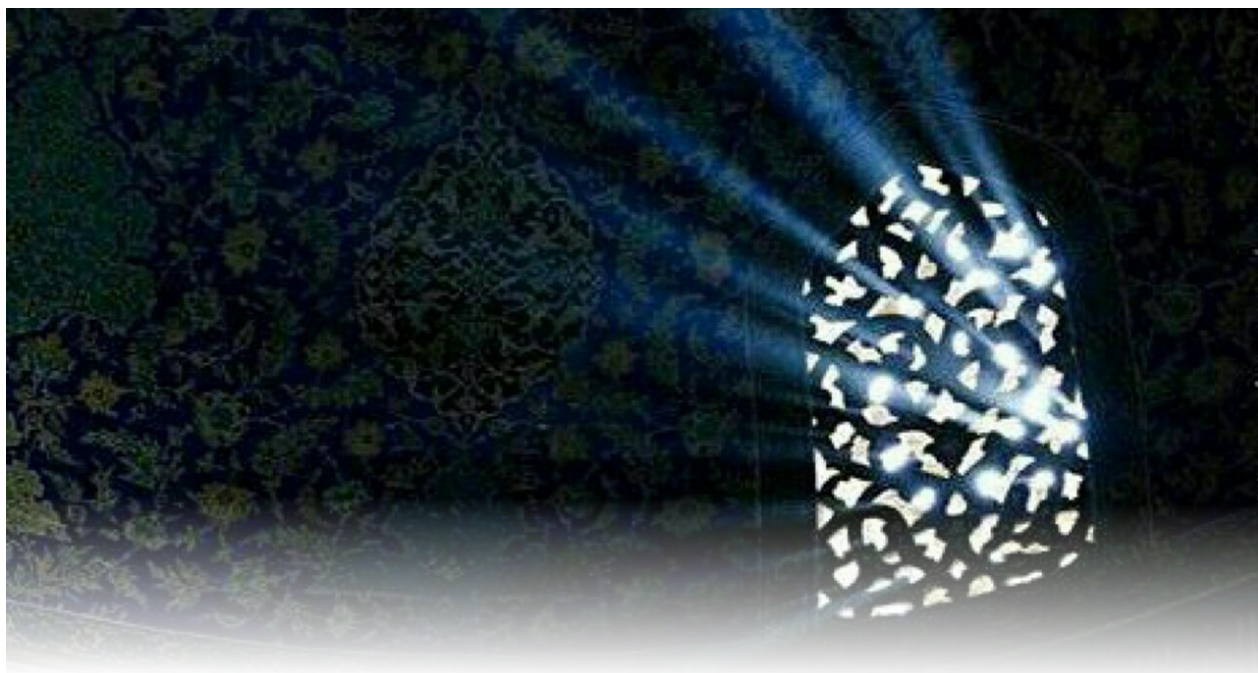
۱-۳- هدفداری آفرینش انسان

وجود هدف، انسان را قادر به تهیه نقشه و برنامه، ابزار و وسایل، تنظیم وقت و زمان، تعیین میزان سرمایه‌گذاری و ارزیابی از میزان پیشرفت و یا عقب ماندگی در کار کرده و در نتیجه باعث افزایش قدرت، پویایی و حرکت انسان در جهت برداشتن موانع و تعیین راه و روش برای وصول به مقصد می‌شود. به تعبیر دیگر هدفداری یکی از شرایط رسیدن به امید است و امید در سایه هدف معنا پیدا می‌کند و در کنار هم عامل حرکت و تلاش برای انسان هستند. از نگاه قرآن هدف آفرینش انسان موارد ذیل دانسته شده است:

الف: آزمایش

دست‌های از آیات قرآن هدف از آفرینش را آزمایش بشر معرفی کرده است «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفْوُ» (ملک: ۲). او کسی است که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده است. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷). ما آنچه در زمین جلوه‌گر است را زینت و آرایش ملک زمین قرار





هدف نهایی در واقع آخر خط و رسیدن به کمال مطلوب است. کمال مطلوب در مکاتب بشری رسیدن به لذایذ و خواسته‌های نفسانی است اما در مکتب قرآن، چیز دیگری است. در مکتب قرآن هدف غایی - که حقیقتی بی‌نهایت و در برگیرنده تمام ارزش‌هاست - خداوند متعال می‌باشد. اوست که بی‌نهایت و کامل است و می‌تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد. منظور از محوریت خداوند و هدف او همان حضور او در متن زندگی است. سعادت و کمال مطلوب آدمی تنها در پیوند با خدا حاصل می‌شود و در قرآن از آن به عبادت تعبیر شده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و جن و انس را نیافریدیم جز آنکه مرا بپرستند.

انسان از طرف خداوند امتحان و آزمایش می‌شود تا پرستش اختیار کند، شاید این امتحان هدف واسطه‌ای باشد برای اینکه انسان را در مسیر عبودیت قرار دهد و رحمت و واسعۀ خداوند در نتیجه این عبودیت شامل آدمی گردد.

حقیقت عبادت این است که بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت خدا دانسته و او به سوی مقام رب خود روی آورد. بنابراین روشن می‌شود که هدف نهایی از خلقت انسان همان حقیقت عبادت است که موجب سعادت انسان می‌شود، پس همه برای عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم.

۱-۴- خودشناسی

یکی از مبانی رسیدن به امید - از نگاه قرآن و روایات - خودشناسی است. پیامبران الهی اولین کسانی هستند که انسان را به شناخت انسان - و

به تبع آن به شناخت خدا - راهنمایی کرده‌اند. هدف بعثت تمام پیامبران الهی رسیدن به توحید و شناخت خدا بوده است. اما شناخت خدا به مقدمه‌ای بسیار با ارزش نیاز دارد که آن شناخت خود است؛ زیرا هر کس خود را به خوبی بشناسد، خدای خود را بهتر خواهد شناخت. مولای بزرگوار، امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: کسی که خودش را بشناسد، خدایش را خواهد شناخت (تمیمی آمدی، ۱۷۳۷ ش، ص ۱۳۰ و ۷۷۷) خدا خلقت انسان را از روح خود می‌داند (حجر: ۷۳) و این نشان از جایگاه والای خودشناسی در آموزه‌های دینی دارد. توجه ذات حق تعالی از ابتدای خلقت تا انتهای آن به انسان و نیازهای او در جهت رسیدن به سعادت و آرامش نشان می‌دهد که خودشناسی کلیدی برای رسیدن به خداشناسی است. در سایه چنین باوری انسان امیدوار بوده، همیشه خود را مدیون خدا و در پناه او و ذره‌ای از اقیانوس بیکران الهی می‌داند. چنین انسانی باور دارد که در طوفان زندگی با خدا بودن بهتر از ناخدا بودن است.

امید در قرآن

مسئله امید و امیدواری به آینده، در قرآن به دفعات متعدد و به شیوه‌های مختلف، بیان گردیده است. به طور کلی، مفهوم امید در لایه مثبت و منفی، در قرآن کریم، از راه کلیدواژه‌هایی همچون رجاء (انتظار امری محبوب و پسندیده که اکثر اسباب آن محقق باشد)، طمع (تمایل نفس از روی حرص و آرزوی شدید، به چیزی خارج از دسترس)، أمل (آرزویی که انتظاری طولانی در آن وجود دارد) و تمنی (میل به حصول امری



همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن) قابل پیگیری است (ابن منظور، لسان العرب؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح؛ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن؛ خلیل بن احمد فراهیدی، العین؛ راغب اصفهانی، المفردات، ذیل ریشه کلمه).

از میان واژگان فوق، تنها در واژه «رجاء» است که فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش، کار و تلاش می‌کند و موجبات رسیدن به امر محبوب را فراهم می‌آورد (عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۳۴۴). با بررسی آیات مشتمل بر واژگان امید، می‌توان بدین نکته دست یافت که گرچه امید، ماهیتی مثبت و پسندیده دارد، اما از آن رو که عوامل پدیدآورنده آن و موانع به‌هم‌زننده آن، ممکن است ماهیتی حقیقی و یا کاذب داشته باشند، می‌توان به تنويع و تقسیم آن به صورت زیر پرداخت:

الف) امید مطلوب، صادق و حقیقی:

این نوع امید، مربوط به اموری است که در جهت رضای الهی و هماهنگ با واقعیت وجودی انسان است و به دو گونه در قرآن مطرح گردیده: امید به آخرت و برخورداری از رحمت الهی که عموم مؤمنان چنین امیدی دارند، و امید به لقای خدا که مؤمنان خاص و انسان‌های کامل، از آن برخوردارند. این نوع در قالب واژگانی همچون رجاء ممدوح و پسندیده، و طمع مثبت و پسندیده بیان شده است.

ب) امید نامطلوب، کاذب و مجازی:

این نوع، مربوط به اموری است که رضای الهی در آن لحاظ نمی‌گردد و حاصل وسوسه‌های نفس یا القانات شیطان است: «وَلَا مَنِّيَهُمْ» (نساء: ۱۱۹). این نوع امید در قالب واژگان رجاء مذموم و ناپسند، طمع منفی و ناپسند، أمل، و تمتی بیان گردیده است. بدون تردید، امید صادق و کاذب تأثیر بسیار زیادی در زندگی آدمی دارد و تنها امید صادق و حقیقی است که انسان را به یاد خداوند انداخته و همواره وجود او و حاضر و ناظر بودن او را به اندیشه آدمی مخاطره می‌نماید.

مؤلفه‌های امید آفرینی

سازه‌های اصلی امید آفرینی عبارتند از: افکار مثبت، باورهای مثبت، عواطف مثبت، و گرایش‌های رفتاری که سازگار با افکار، باورها و عواطف یاد شده است.

ویژگی‌های امید آفرینی

– امید آفرینی سازه‌ای فرضی و انتزاعی است زیرا امید آفرینی وجود عینی ندارد و قابل مشاهده مستقیم و قابل اندازه‌گیری کمی بدون اندازه‌گیری مؤلفه‌هایش نمی‌باشد.

– امید آفرینی اکتسابی است، یعنی خود به خود امید به وجود نمی‌آید بلکه به وسیله تجربه‌های خوشایند تقویت می‌شود و قابل یادگیری است.

– نسبتاً با ثبات است که با حالت‌های موقتی مانند خستگی و دارو تغییر نمی‌کند.

– دارای مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است.

– دارای مراتب است. یعنی امید آفرینی نسبت به زندگی پس از مرگ برای انسان با ایمان نیرو بخش و بالاتر است از امیدواری نسبت به رسیدن به ثروت دنیایی. یا امید داشتن نسبت به استعانت از خداوند امیدوار کننده‌تر است نسبت به یاری خواستن از دیگران.

راه‌های تقویت امید آفرینی

با توجه به اینکه سازه‌های اصلی امید آفرینی عبارت‌اند از: شناخت، عاطفه و گرایش‌های رفتاری، تبعاً راه‌های تقویت امید آفرینی شناختی، عاطفی و رفتاری از قرآن مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد، در اینجا تنها راه‌های ایجاد و تقویت امید آفرینی را با تکیه به بُعد اعتقاد به توحید، نبوت و معاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راه‌های شناختی امید آفرینی

هر نوع رفتار انسانی که با قصد انجام می‌شود از یک طرف بر روش‌های اندیشیدن فرد بستگی دارد و از طرف دیگر، تحت تأثیر انتظارات، توقعات و امیدها قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر غالباً آن گونه که می‌اندیشیم، امیدواریم و انتظار تحقق عملی را در سر می‌پرورانیم، رفتار می‌کنیم. در قرآن کریم گزاره‌هایی وجود دارند که اندیشه‌ها و انتظارات انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از آن گزاره‌ها اصول اعتقادی است. اصول اعتقادی تأثیرات شگرفی روی انسان می‌گذارد از جمله اینکه امید می‌آفریند و انسان‌ها را از حالت پوچی و بی‌تفاوتی خارج می‌کند، به زندگی معنا می‌بخشد. بنابراین در قرآن کریم یکی از راه‌های شناختی امید آفرینی، باورهای سه‌گانه اعتقادی یعنی توحید، نبوت و معاد است. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ



وَاحِدًا فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (سوره كهف ۱۱۰ / ۱) بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

امید داشتن یکی از اوصاف انسان الهی است. زیرا انسان با ایمان معتقد است که خداوند سرمنشأ همه هستی و منبع تمام نعمت‌ها می‌باشد. لذا می‌بینیم که امامان معصوم در دعاهای ایشان می‌فرمایند «یا من ارجوه لكل خیر» (قمی شیخ عباس، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، قم ثقلین، ص ۲۲۱). و همین طور در دعای کمیل می‌خوانیم «ارحم من رأس ماله الرجا (همان ص ۱۱۰)» حال، فرق نمی‌کند که این سرمایه، رجاء به لقایش باشد یا رجاء به نعمت‌هایش، نفس امید داشتن، انسان را با روحیه عالی بار می‌آورد و برای انسان که دست‌شان آسمان کوتاه است فقیر است امید داشتن بزرگترین سرمایه است. در رأس همه‌ی امیدها، امید داشتن لقاء پروردگار بالاترین درجه امید آفرینی را دارد.

راه‌های عاطفی امید آفرینی

از مؤلفه‌های اساسی امید آفرینی مؤلفه‌های عاطفی هستند. منظور از مؤلفه‌های عاطفی هیجان‌های مثبت مانند، دوست داشتن، احساس خوشایندی و اعتماد است. در قرآن کریم به کسانی نسبت به جان‌های خودشان اسراف روا داشته‌اند دستور می‌دهد که از رحمت خدا ناامید نباشید زیرا همه گناهان را خدا می‌بخشد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳). بگو: «ای بندگان من - که بر خویش‌تان زیاده روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.»

راه‌های رفتاری امید آفرینی

منظور از راه‌های رفتاری امید آفرینی شناسایی مهمترین کارکردهای تأثیرگذار بر امید آفرینی است که موجب می‌شود امید در رفتار تربی تقویت شود.

۱. در سوره فاطر برای کسانی به رفتارهای مانند

تلاوت قرآن، اقامه نماز و انفاق اقدام می‌کند به تجارت پرسود امیدوارند. یعنی سه عمل فوق سبب افزایش امیدواری است. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (فاطر، ۲۹) کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی (پرسود و بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند).

بدون شک میان تجارت پرسود از یک طرف، و تلاوت قرآن، اقامه نماز و انفاق از طرف دیگر ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد. وجود همین مقدار ارتباط میان امیدواری به تجارت پرسود و رفتار شایسته در اینکه میان امید آفرینی و اعمال صالح پیوندی وجود کفایت می‌کند. علاوه بر اینکه ظاهر آیه می‌رساند که تلاوت، نماز، و انفاق به عنوان فعل، و اینکه هر فعلی آثاری دارد، طبق قانون علی و معلولی یکی از آثار اقامه نماز و انفاق در راه خدا این است که نمازگزار و انفاق کننده امید به تجارت پرسود را داشته باشد.

راه‌کارهای ایجاد و افزایش امید

همان‌گونه که بیان گردید، امید درمانی در روان‌شناسی از دو مرحله اصلی تشکیل گردیده است: القای امید و افزایش امید. قرآن نیز، در قالب راهکارهای اعتقادی و رفتاری، به القای امید و افزایش آن در انسان می‌پردازد. در حقیقت، خداوند از طریق بیان راهکارهای اعتقادی به القای امید، و از طریق بیان راهکارهای رفتاری، به افزایش امید در نهاد آدمی پرداخته است.

راهکارهای ایجاد امید:

الف) گام اول یافتن امید: در این گام، درمانگر به منظور کمک به مراجع برای درک امیدی که تاکنون دارا بوده و در گذشته آن را تجربه کرده است، از او می‌خواهد داستان زندگی‌اش را تعریف نماید تا بدین ترتیب، دیدگاه مثبت‌تری نسبت به آینده خویش پیدا کند. قرآن، به یادآوری نعمت‌های الهی در زندگی فردی و مسیری که آدمی تاکنون پیموده دستور داده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (فاطر: ۳). علاوه بر آن، خود خداوند نیز به منظور پیدایش روح امید در مسلمانان، به بیان داستان‌های امیدبخش در زندگی آنان پرداخته است. برای نمونه، در ماجرای جنگ احد که مسلمانان هنگام



مشاهده سپاهیان دشمن، به دلیل تأثیر پذیرفتن از وسوسه‌های شیطان و نیز هوای نفس خویش، دچار ناامیدی و افسردگی گشتند، خداوند با تعریف نمودن داستان جنگ بدر و یادآوری نقش و تأثیر خود در آن میدان، به امیدسازی و القای روح امید در آنان پرداخت (ر.ک: آل عمران: ۱۲۳-۱۲۷) و به آنان گوشزد نمود تا زمانی که تمامی امید آدمی، معطوف به خالقش باشد، هیچ‌گاه ناامیدی و شکست در او نفوذ نمی‌نماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) از این‌رو، بهترین راه برای یافتن امید، یادآوری نعمت‌ها و اماددهای الهی در گذشته است.

ب) گام دوم تحکیم امید: در این مرحله، درمانگر به الگوسازی تفکر و رفتار امیدوارانه می‌پردازد و بدین ترتیب، تفکر عامل و گذرگاه را در مراجع افزایش می‌دهد. قرآن کریم نیز برای تحکیم امید انسان، او را به سوی اعتقاد به نبوت و معاد سوق می‌دهد و بدین ترتیب، به افزایش عامل و گذرگاه در او کمک می‌کند. به دیگر بیان، علاوه بر سفارش آدمی به الگوگیری از انبیا و اولیای الهی به عنوان مصداق انسان‌های کامل و امیدواران حقیقی، سعی می‌نماید در پرتو اعتقاد به معاد و ایجاد نگرش مثبت نسبت به مرگ، خانه امید آدمی را استحکام بخشد.

در بیان وجه اشتراک و اختلاف قرآن و روان‌شناسی پیرامون تحکیم امید، می‌توان گفت که در هر دو، توجه به الگو سبب تحکیم امید در فرد می‌شود، البته با این تفاوت که الگو در بینش قرآن، پیامبران و اولیای الهی‌اند (انسان‌های کامل و امیدواران حقیقی) که نسبت به الگوهای موجود در روان‌شناسی، از جایگاهی بسیار عظیم و والا برخوردارند. وجه اختلاف نیز آن است که قرآن حیات اخروی را هدف و مقصود حیات دنیوی می‌داند و دنیا را پلی به سوی آخرت می‌شمارد.

راهکارهای افزایش امید:

گام اول غنی‌سازی امید: در این مرحله، درمانگر روان‌شناسی از طریق ارائه راهکارهایی که به ایجاد هدف، توسعه گذرگاه و افزایش عامل در فرد منجر می‌شود، به غنی‌سازی امید مراجع خویش می‌پردازد. قرآن کریم نیز برای غنی‌سازی امید در انسان، به ارائه راهکارهایی رفتاری در حوزه فرد و اجتماع پرداخته است. اما راهکارهای روان‌شناسی در مقایسه با راهکارهای قرآن، از چند

جهت قابل بررسی هستند:

۱. راهکارهایی که نظریه امید برای افزایش و غنی‌سازی امید ارائه نموده، به گونه‌ای است که مراجع، خود باید به تنهایی یا دست‌کم با کمک درمانگر به ایجاد آنها (ایجاد هدف و عامل و توسعه گذرگاه) بپردازد. در حالی که راهکارهای قرآنی، بر خلاف نظریه امید، همگی از سوی خداوند از قبل تعیین شده‌اند؛ چرا که خداوند در قرآن، بارها از طریق بیان هدف خلقت، هدف زندگانی آدمی را نیز مشخص و بیان نموده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و گذرگاه‌های رسیدن به آن را نیز تعیین کرده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰) همچنین انگیزه لازم برای به اجرا درآوردن این راهکارها را نیز مشخص کرده تا آدمی را در طول این مسیر حفظ نماید (ر.ک: نساء: ۵۶-۵۷) و آدمی موظف است از طریق گذرگاه‌های تعیین‌شده از سوی خداوند، یعنی عمل صالح توأم با اخلاص و با انگیزه بهره‌مندی از رحمت الهی یا رسیدن به لقای او و نیز در راستای هدف خلقت خویش، به تعیین و تعریف سایر اهداف دنیوی خویش بپردازد.

به همین دلیل، می‌توان گفت که راهکارهای قرآن برای غنی‌سازی امید در آدمی، بسیار کامل‌تر از راهکارهای روان‌شناسی در این حوزه است و علاوه بر تقویت گذرگاه، عامل و هدف اصلی را نیز تعیین و بر آن تأکید می‌کند. مهم‌ترین راهکارهای قرآن در این بخش در حوزه فردی عبارتند از: ذکر، نماز و تهجد و ... و در حوزه اجتماعی نیز عبارتند از: انفاق، احسان، عفو و ...

۲. راهکارهای ارائه شده در نظریه امید در روان‌شناسی، عمدتاً جنبه فردی دارند و نسبت به جنبه اجتماعی ساکت‌اند، در حالی که در قرآن، خداوند علاوه بر ارائه راهکارهای فردی، به ارائه راهکارهای رفتاری در حوزه اجتماع نیز پرداخته است تا آدمی علاوه بر غنی ساختن امید در درون خویش، به افزایش امید در جامعه نیز کمک نماید؛ چرا که اسلام، جامعه را یک خانواده بزرگ نامیده است که در آن، تمامی افراد در برابر یکدیگر دارای وظایفی می‌باشند. بنابراین، راهکارهای اسلام برای افزایش امید، بر راهکارهای روان‌شناسی برتری دارد.

گام دوم حفظ امید: در این مرحله، مراجع



ترغیب می‌شود که از طریق شناخت افکار هدف و افکار مانع، ضمن حفظ امید، بتواند خود، عامل افزایش امید در خود باشد. در قرآن نیز خداوند برای حفظ و ابقای امید انسان، همواره از او خواسته است به شناسایی هدف اصلی زندگانی خویش بپردازد (ر.ک: مؤمنون: ۱۱۵) و از طریق شناسایی افکار مانع و مخرب، به مبارزه با آمال و آرزوهایی برخیزد که او را از هدف اصلی خویش دور می‌سازند. قرآن کریم درباره این نوع افکار مانع و آرزوهای بی‌حاصل که حاصل هواهای نفس یا وسوسه‌های شیاطین است، چنین هشدار داده است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ.» (ص: ۲۶).



حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر که امید و آرزویش غیر خداوند سبحان باشد به آرزوهای خود دروغ گفته است» (کلینی، ۱۷۲۲ ش، ص ۳۲). ایمان همانند امید، یک حالت نفسانی و روانی است که بعد از شناخت و تصدیق، هم به صورت لفظی و هم به صوت عملی در فرد ظاهر می‌شود. از این روست که امید پا به پای ایمان گام بر می‌دارد و ایمان بدون امید قابل دوام نیست. این‌گونه امید چیزی جز ایمان نیست. (اریک فروم، ۱۷۲۷ ش، ص ۷۲).

عوامل روانی و نفسانی ایجاد کننده امید با توجه به تفاوت‌های فردی، استعدادها و توانایی‌های مختلف افراد و نوع نگرش، جهان‌بینی و ایدئولوژی آنها، عوامل ایجاد کننده و بوجود آورنده امید متفاوت هستند. در اینجا به عوامل سبب زای امید - که از نظر قرآن حائز اهمیت هستند - می‌پردازیم:

۱- ایمان

امید با یک عامل دیگر که شالوده زندگی است ارتباط نزدیک دارد. این عامل ایمان است. ایمان در لغت یعنی باور کردن، عقیده داشتن و یقین کردن (راغب اصفهانی، ۱۱۱۳ ق، ص ۳۰). ایمان بر قدرت دانش و ادراک استوار است آن چنان که از سطح می‌گذرد و در عمق و باطن جای می‌گیرد. از نظر قرآن ایمان ساختاری ذاتی دارد؛ اقرار و اعتراف لفظی، تصدیق و قبول قلبی، عمل و طاعت. ایمان به خدا و راز و نیاز با او به انسان امید و توان می‌دهد.

۲- خودباوری

اولین سؤالی که بعد از رشد و بلوغ فکری، ذهن هر فرد را به خود مشغول می‌کند این است که او کیست و هدف از بوجود آمدنش چیست؟ بدین ترتیب فرد وادار به کنکاش و جستجو می‌شود و این جستجو و کنکاش ابتدا از خود او شروع می‌شود. از نگاه قرآن و روایات، انسان با خودشناسی به خداشناسی و از آن به





خودباوری و خدا محوری می‌رسد که نتیجه همه اینها امیدواری و رسیدن به بهداشت روانی است. انسانی که باور دارد منشاء هستی الهی است، نظام حاکم بر جهان هدفمند آفریده شده و انسان ذره‌ای از روح لایزال الهی است؛ وجود خود را باور داشته و در این خود باوری امید دارد که به مرحله خلیفه الهی نایل شود؛ زیرا خداوند می‌فرماید «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰). انسان خودباور یقین دارد که می‌تواند بر وقایع زندگی خود تسلط داشته و با چالش‌های پیش آمده روبرو شود. او آینده خوبی برای خود تصور می‌کند و مشکلات زندگی را به جای آن که ناگوار و دائمی تلقی کند، مرحله‌ای و زودگذر می‌بیند (حسن زاده، ۱۷۳۱ ش، ص ۳۷). این موفقیت با امید، ایمان و خودباوری بوجود آمده است. امید و ایمان عامل یقین و حرکت است و خود باوری یقین و باور به توانایی‌ها و استعدادهای درونی است.

۳- اعتقاد به فضل و رحمت الهی

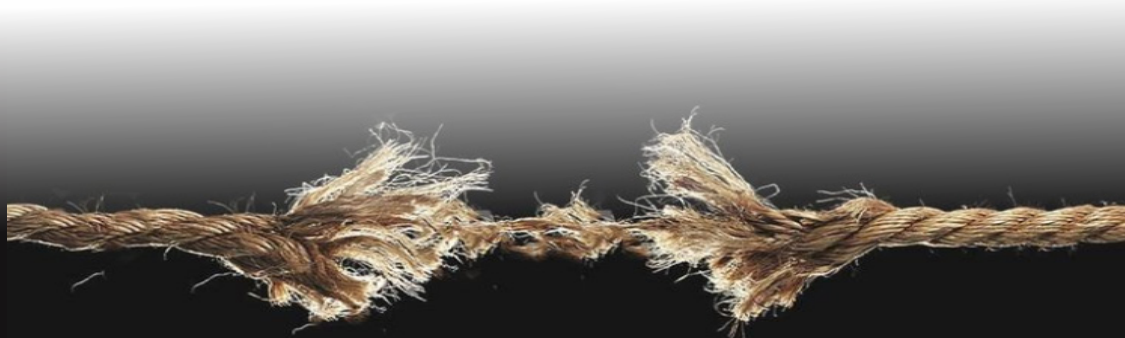
در مکتب قرآن امید به فضل و رحمت الهی بالاترین توکل است (کلینی، ۱۷۲۲ ش، ص ۱۱۱) آیات و اخبار بسیاری مبنی بر رحمت خداوند وجود دارد که موجب قوت قلب و آرامش دل و تعلق خاطر انسان در انجام امور است. فرد با اولین مانع و برآورده نشدن انتظاراتش، از تالش و حرکت دست برنمی‌دارد و با عزمی راسخ‌تر و ایمان و توکل بیشتر به رحمت الهی و استفاده از توانایی‌ها و امکانات و حتی برای جبران شکست - برای رسیدن به هدفی که به آن امید بسته -

بر تالش و سعی خود می‌افزاید.

در روایات اسلامی برخی آیات قرآن، امیدوار کننده‌ترین آیه دانسته شده‌اند، گر چه معصومین (ع) این آیات را به فراخور حال سؤال کننده پاسخ گفته‌اند و برای فرد مؤمن متقی و مؤمن خطاکار متفاوت به نظر می‌رسد، اما پیام تمام آنها عدم ناامیدی از رحمت خداست. (حسکانی، شواهد التنزیل، ص ۱۳۳) از امام علی (ع) روایت شده که ایشان به فردی که زیادی گناهش او را ناامید کرده بود، فرمود: «ناامیدی تو از رحمت الهی از گناهت بزرگتر است» (محدث نوری، ۱۱۰۳ ق، ص ۷۱ و فیض کاشانی، ۱۱۱۲ ق، ص ۷۱۷).

۴- شناخت و باور قدرت الهی

قدرت و توانایی یکی از صفات ثبوتی حق تعالی است. ما معمولاً قدرت خویش را که از کیفیات نفسانی است با قدرت و توانایی خداوند مورد مقایسه قرار می‌دهیم و از این طریق به قدرت ذات اقدس حق شناخت پیدا می‌کنیم، در حالی که چنین مقایسه‌ای اساساً بی پایه و بی معنا است. زیرا قدرتی را که به خداوند نسبت می‌دهیم، عبارت است از مبدئیت فاعلی که به اختیار خود می‌تواند منشاء انجام کاری واقع شود و صدور آن محال نیست. بنابراین وقتی که قدرت را به خداوند نسبت می‌دهیم در حقیقت دو صفت را برای او اثبات می‌کنیم: یکی مبدئیتش برای کار و دیگری دارا بودن اختیار جهت انجام کار (طباطبایی، ۱۱۱۱ ق، ص ۱۳۱ و مکارم شیرازی،



﴿ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ ﴾

هرگز رشته‌ی امیدم از تو قطع نمی‌شود

۱۷۳۰ ش، ص ۱۰ و مختاری، ۱۷۲۱ ش، ص ۲۱). قدرت در عملی است که فاعل آن، نسبت به آن و نتیجه آن - مبنی بر خیر و کمال علم - آگاهی و طبیعت نوعیه و اقتضای آن فعل را داشته باشد، در این صورت فاعل خود ذاتاً به انجام کار بر انگیخته می‌شود. اما ذات اقدس حق بر انجام هر کاری قابلیت داشته و قادر و تواناست.

۵ - اعتقاد به زندگی بازپسین

برخلاف مکاتب مادی که مرگ را نقطه پایان و نابودی زندگی و یک نوع نقص و کاستی برای انسان می‌دانند، در مکتب اسلام مرگ چیزی جز قطع وابستگی و علاقه نفس از بدن نیست، نفس برای همیشه باقی است چنان که براهین قاطع عقلی و شواهد ذوقی (مجاهدات، ریاضت‌ها و عبادات) و ظواهر دلائلی نقلی بر بقا و خلود نفس دلالت دارد.

مرگ و انسان دو حقیقت هستند که مرگ باعث کمال و تمامیت انسانیت و آثار آن است و مردن جزء حد انسان می‌باشد و حد هر چیزی موجب کمال آن است و نه نقص و ناتمامی آن. لذا انسان کامل مشتاق مرگ است (نراقی، ۱۱۰۱ ق، ص ۱۰).

امید به زندگی پس از مرگ، اهرمی کارآمد در گرایش به عمل است و در تنظیم زندگی سالم و تصحیح رفتارها و باورهای انسانی و بهداشت روان نقش مهمی دارد. امیدی که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می‌شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پر ثمر انسانی و نیز منشأ صلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است: همان‌گونه که ناامیدی و قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت منشأ فسادها و تبه‌کاری‌ها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است (مصباح، ۱۷۲۳ ش، ص ۱۰۱). همین که انسان به آینده‌ای روشن امید داشته باشد، احساس نیکو و حالتی شاد به وی دست داد، باعث نشاط وی می‌شود و در او انگیزه کار

و تلاش ایجاد شده، او را به فعالیت‌های صحیح زندگی وادار می‌کند (کوپلر، ۱۷۲۳ ش، ص ۲۰ و معتمدی، ۱۷۲۷ ش، ص ۱۰).

ابعاد امید در قرآن

مفهوم امید در قرآن کریم، در دو محور اعتقادی و رفتاری قابل بررسی و پیگیری است؛ چرا که قرآن افزون بر بیان راهکارهایی اعتقادی و فردی برای القای امید و رسیدن به آرامش نسبی در دنیا، به ارائه راهکارهای رفتاری و اجتماعی فراوانی برای تقویت و افزایش این نیاز اصیل بشری نیز پرداخته است.

در بُعد اعتقادی، به تقویت پایه‌های معرفتی و اعتقادی افراد پرداخته شده که مهم‌ترین اصول اعتقادی اسلام، ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد می‌باشند؛ زیرا این سه اصل، پایه و اساس دریافت اسلام را تشکیل می‌دهند و سایر آموزه‌های اسلام، معنابخشی خود را از این سه اصل دریافت می‌نمایند و نیاز به این آموزه‌ها، برای ایجاد امید و روحیه امید پروری در آدمی، از آن روست که چون انسان سالم و کامل، دارای شخصیتی می‌باشد که به طور طبیعی در زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد، به همین دلیل، اگر از نظر شخصیتی نسبت به آینده امیدوار نباشد، به طور طبیعی، رفتاری بیرون از عرف طبیعت انسانی از خود بروز می‌دهد که در جهت دادن جامعه به سمت ناامیدی و افسردگی بی‌تأثیر نخواهد بود.

در بُعد رفتاری نیز، قرآن کریم برای افزایش امید آدمی در زندگانی دنیوی و نیز پرورش روح امید در جامعه، در قالب راهکارهای رفتاری به تقویت روح امید در جامعه پرداخته است. مهم‌ترین راهکارهای رفتاری قرآن در حوزه فردی عبارتند از: ذکر، تهجد، نماز، و تلاوت قرآن، و در حوزه اجتماعی عبارتند از: انفاق، احسان، عفو و بخشش، امر به معروف و نهی از منکر و وفای به عهد.

راهکارهای اعتقادی (معرفتی) قرآن برای

ایجاد و القای امید

مقصود از راهکارهای اعتقادی، روش‌های شناختی برای افزایش و تقویت امید در آدمی است که به دیدگاه و اعتقاد فرد نسبت به هستی، آغاز و فرجام جهان و نقش انبیا و اولیای الهی می‌پردازد و از سوی دیگر، تأثیر آن را در افزایش یا کاهش امید صادق و حقیقی در آدمی، مورد ارزیابی قرار





می‌دهد.

الف) اعتقاد به توحید و تأثیر آن در ایجاد امید:

اعتقاد به توحید و یگانه بودن خداوند، موجب می‌شود به جای آنکه انسان پیوسته به عوامل متعدد مؤثر در زندگی خویش بیندیشد و از آنها بیم به دل راه داده و یا به آنها امید ببندد، به مرجع و ملجأی واحد چشم بدوزد (ر.ک: توبه: ۱۱۸). کمترین تأثیر چنین نگرشی، انسجام و تعادل بین شناخت‌ها، عواطف و اعمال در بسیاری از بخش‌های زندگی است.

به دیگر بیان، توحید و یگانه‌پرستی است که عناصر نفس و روان آدمی را همبستگی بخشیده و روند قوای فکری او را برای دریافت و شناخت به طرف یک منبع، متحد و هماهنگ می‌سازد و از این رهگذر، یک اثر ترکیبی سازنده در شخصیت انسان بارور می‌گرداند. بعکس، تعدد آلهه و شرک و یا به عبارت دیگر تعدد منابع ترس و نفع و ضرر، منجر به تشتت و از هم پاشیدگی روان انسانی و تفرق و تقسیم قدرت آگاهی او به جهات متعدد می‌شود (ر.ک: یوسف: ۳۹) و سرانجام نیز، به از هم گسیختگی پیوندهای شخصیت آدمی و ایجاد اختلالات روانی در او می‌انجامد.

بنابراین، از مجرای توحید است که انسان مسئله پناه بردن به خداوند را درک می‌نماید. چنین انسانی همواره به یاد خدا بوده و قلبش کاملاً آرام است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ...» (رعد: ۲۸) از این‌رو، در قرآن کریم، امید حقیقی در ارتباط با «الله» است؛ چرا که هیچ مفهوم عمده‌ای جدای از خدا، در قرآن وجود ندارد.

به دیگر بیان، امید در راستای تکامل انسان است و تکامل انسان در قرآن، به سوی خلیفه‌الله: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و مظهر تجلی اسمای الهی است. از این‌رو، امید نیز در راستای تجلی صفات الهی نهاده شده در وجود بشر می‌باشد و آدمی بدین وسیله می‌تواند از آشفتگی‌های روانی و نابسامانی‌های فکری رهایی یابد.

ب) اعتقاد به نبوت و تأثیر آن در تحکیم امید:

بشر برای داشتن زندگی سالم در این دنیا، به فرستادگانی از جانب خالق یکتا نیازمند است و امید به حیات اخروی نیز از همین رهگذر میسر است. به طور کلی، انبیا و ادیان الهی

می‌توانند نویدبخش امید به آینده در سایه ایمان، پرهیزگاری، تزکیه روح و جسم و عمل صالح باشند و تنها ایشانند که می‌توانند به مؤمنان نوید آینده‌ای روشن در پرتو ایمان به خداوند بدهند.

از سویی دیگر، همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، امید در راستای تجلی اسمای الهی است که این تجلی طبق آیات قرآن کریم، از مسیر نبوت و ولایت اولیای الهی صورت می‌گیرد. به دیگر بیان، از آن‌رو که انسان مظهر خلیفه‌الله است، (ر.ک: بقره: ۳۰) این آموزه در پرتو رهنمودهای انبیا به آدمی القا می‌گردد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» (بقره: ۳۱) و از این طریق، تربیت اسمایی بشر تحقق می‌یابد.

از این‌رو، اعتقاد به نبوت انبیا و اولیای الهی به آدمی این امید را بشارت می‌دهد که می‌تواند با پیروی از این الگوهای بشری و بخصوص از طریق اسوه حسنه، به طور کامل مظهر اسماء و تجلی صفات پروردگاری قرار گیرد و به امید حقیقی خویش راه یابد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) پس بر کسی که مدعی امید حقیقی است، واجب است از فرستادگان او پیروی کند تا این پیروی‌اش، به امید راستین منتهی شود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (آل‌عمران: ۳۱) و تنها در این صورت است که امید به آینده، امیدی واقعی و سرشار از حقیقت جلوه می‌کند و آدمی می‌تواند از توابع آن، که همان دوری از انواع گناهان است و نتیجه‌ای جز پشیمانی، ناامیدی و نگرانی ندارد، مصون ماند (سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۵۹) «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ» (جاثیه: ۱۸-۱۹).

ج) اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تحکیم امید:

ایمان به معاد، ریشه یأس‌ها و ناامیدی‌ها را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و مصائب و ناکامی‌هایش در این دنیا، بی‌پاسخ نخواهند ماند. شخص معتقد به معاد عقیده دارد که زندگی به این جهان ماده خلاصه نمی‌گردد، بلکه انسان پس از مرگ، زندگی دیگری در پیش دارد و در

آنجا به بسیاری از خواسته‌ها و آرزوهای مناسب خود نایل می‌شود.

از نظر قرآن نیز، حیات باقیه و زندگانی جاوید و سعادت ابدی در آخرت است (ر.ک: غافر: ۳۹) و در آنجا آسایش، آرامش و امنیت مطلق وجود دارد. (ر.ک: انعام: ۱۲۷) از این‌رو، هیچ‌گونه کمبودی احساس نمی‌گردد و اگر هم انسان در این دنیا محرومیتی احساس می‌کند، با یادآوری نعمت‌های عالم آخرت بر طرف می‌گردد؛ چراکه شخص مؤمن، امیدوار است که در آن جهان از نعمت‌های الهی برخوردار شود.

راهکارهای رفتاری قرآن برای افزایش و تقویت امید در آدمی

مقصود از راهکارهای رفتاری، روش‌های عملی برای افزایش و تقویت امید در آدمی است؛ راهکارهایی که به رفتار و عملکرد آدمی برای افزایش امید صادق و حقیقی می‌پردازد. این راهکارها در فرهنگ قرآن، در دو قالب فردی و اجتماعی مطرح گردیده‌اند تا آدمی علاوه بر غنی ساختن امید در درون خویش، به افزایش امید در جامعه نیز کمک نماید؛ چرا که یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که آیین تک‌روی و تک‌مسئولیتی نیست و جامعه‌ای که در آن، اصول اجتماعی و پیوندهایی نظیر انفاق، احسان و امثال آن وارد شوند و اجرا گردند، بدون شک می‌تواند تضمین‌گر آرامش و امنیت و همچنین تقویت‌کننده روحیه امید و امیدواری در تمامی انسان‌ها باشد. لازم به ذکر است کلیه عبادات و اعمال دینی در فروزانی و تقویت چراغ امید در دل، نقش دارند، اما نقش راه‌کارهای زیر، به عنوان اساسی‌ترین و فراگیرترین آموزه‌ها، به مراتب اثربخش‌تر و جاودانه‌تر است:

راهکارهای فردی:

الف) ذکر خداوند: علت اصلی اضطراب‌ها و آشفتگی‌های روانی و روحی انسان معاصر، غفلت از یاد خداست. به طور کلی روح انسان، ربّانی است (ر.ک: اسراء: ۶۵) و تا با خدا پیوند نداشته باشد، آرام و قرار نمی‌گیرد. پیوند روح و دل انسان با خدا، به وسیله ذکر خدا پدید می‌آید و برقرار می‌ماند؛ پیوندی ناگسستنی و استوار: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره: ۱۵۲).

در سایه این پیوند، آدمی شیرینی و گوارایی اتصال خود را با خداوند، حس می‌کند و توانایی آن را می‌یابد که از عادات نامأنوس و خلق

وخوی‌های نادرست برهد و قوانین طبیعت و خواسته‌های نفسانی را مقهور خود سازد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۱) به همین دلیل، برای آرامش دل باید به ذکر و یاد خدا روی آورد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

ب) ترس از خدا (ترس امیدآفرین):

خداوند در آیات بسیاری تأکید می‌ورزد که آدمی باید تنها از او بترسد و این ترس همواره باید در او موجود باشد: «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵)؛ چرا که این نوع ترس، در صورت نفوذ در ژرفای درون انسان، او را از ارتکاب اعمال مهلک باز داشته و به کار نیک و پیشتازی در عرصه فضیلت وامی‌دارد و در حقیقت، ترسی است امیدآفرین که سبب تحکیم پایه‌های امید در آدمی می‌گردد. به همین دلیل، در بسیاری از آیات مربوط به امید، این نوع ترس در کنار واژه طمع استفاده شده است (ر.ک: اعراف: ۵۷).

ج) توبه و انابه به سوی خداوند:

توبه و انابه به سوی پروردگار، راهی است که خدا در برابر انسان‌ها قرار داده است تا از یأس و ناامیدی بپرهیزند و بدانند آفریدگارشان پذیرنده افراد عاصی است: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ» (شوری: ۲۵). از این‌رو، انسان گنهگار که با انجام گناه دچار عصیان گردیده و امیدش را در زندگی از دست داده، با انابه می‌تواند آرامش خود را باز یابد و امید خویش را تحکیم نماید: «يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (رعد: ۲۷-۲۸).

د) تهجد و شب‌زنده‌داری:

خداوند در سوره «زمر»، شب‌زنده‌داران و متتهجدان را «امیدوار» خوانده و نماز شب و شب‌زنده‌داری را از عوامل امیدبخش معرفی کرده است: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ» (زمر: ۹)؛ چرا که در دل شب و به هنگام فرو نشستن غوغای زندگی مادی و آرامش روح و جسم انسان پس از قدری استراحت، حالت توجه و نشاط خاصی به انسان دست می‌دهد که در عین بی‌نظیر بودن، فوق‌العاده روح‌پرور، تکامل‌آفرین و امیدبخش است. در چنین زمانی، امیدواران حقیقی با تمام وجود، رو به درگاه معبود می‌آورند و سر بر آستان



معشوق می‌سایند و با بیم و امید او را می‌خوانند.

ه. هجرت و جهاد در راه خدا:

طبق آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره: ۲۱۸)، امید به لطف و رحمت پروردگار، مشروط به ایمان، هجرت و جهاد است و مکلفی که بر پایه معرفت دینی، از ایمان به خدا و روز قیامت برخوردار شده و برای حفظ دین و تبلیغ آن و مصونیت دادن به سلامت معنوی خود و خانواده‌اش، از دیار کفر به سرزمین ایمان، هجرت نموده است و با مال و جان به جهاد در راه خدا برخاسته، شایسته رحمت خدا، مغفرت و آمرزش اوست. از این‌رو، هجرت و جهاد در راه خداوند، سرچشمه‌های امیدی پایدار و پویا هستند و در پرتو افزایش روح امید و امیدواری در آدمی، زمینه‌ساز طلوع رحمت و مغفرت از افق زندگی انسان می‌باشند.

راه کارهای اجتماعی:

الف) انفاق: یکی از مهم‌ترین آثار انفاق، از بین بردن تنش‌های اجتماعی و افسردگی‌های ناشی از فقر است؛ چرا که انفاق خالصانه سبب تطهیر و تزکیه نفس است: «خَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳) و نه تنها نفس انسان را از پلیدی بخل و خودخواهی نسبت به فقرا پاک می‌گرداند، بلکه سبب رشد آن و اعتلا بخشیدن خیرات و برکات اخلاقی و فضایل انسانی در درون آدمی می‌شود تا جایی این صفات در درون جان تثبیت می‌گردد: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (بقره: ۲۶۵) و آرامش حقیقی و ثبات روحی بر آدمی حاکم می‌شود. اما افرادی که انفاقشان، همراه با اذیت و یا از روی ریا و خودنمایی است، دائم در حال بی‌ثباتی، ناآرامی، نگرانی، اضطراب و تضاد روحی به سر می‌برند (ر.ک: بقره: ۲۶۴).

ب) امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر، نشانه علاقه به سلامتی جامعه و وجود روح نشاط و امیدواری میان مردم جامعه است. به واسطه امر به معروف و نهی از منکر، اجتماع از صورت یک جامعه مُرده و فاقد تحرک بیرون آمده، به یک جامعه زنده و پویا تبدیل می‌گردد. همچنین ترک امر به معروف، زمینه‌ساز کفر است (ر.ک: مائده: ۷۷-۷۸) و کفر نیز یکی از علل ناامیدی و یأس می‌باشد:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي» (عنکبوت: ۲۳). بنابراین، برای افزایش و تقویت روحیه امید در خود و سایر افراد، باید به این فریضه مهم پرداخت تا یأس و ناامیدی را ریشه کن نمود.

ج) احسان:

از نظر قرآن، شخص محسن و نیکوکار، انسانی است امیدوار به لطف و عنایت خداوند و معتقد به وعده‌های او. از این‌رو، هر کس امیدوار به رحمت الهی می‌باشد، باید نیکوکار گردد (ر.ک: اعراف: ۵۶).

د) عفو و گذشت:

عفو و صفح، از مصادیق احسان است: «فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۱۳) و رحمت خداوند که مؤمنان همواره در امید و انتظار آن به سر می‌برند (ر.ک: بقره: ۲۱۸) و آرزوی رسیدن به آن را در دل می‌پرورانند، به محسنین و نیکوکاران نزدیک است: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶). بنابراین، مؤمنان و امیدواران به رحمت الهی از طریق عفو و بخشش دیگران، می‌توانند به امید و آرزوی خود، که همان دریافت رحمت الهی و پاداش‌های او می‌باشد، دست یابند و به آرامش حقیقی نایل شوند.

ه. وفای به عهد: قرآن کریم، یکی دیگر از ویژگی‌ها و خصوصیات افراد باایمان را، که در پرتو امید به لقای الهی، بهشت را به ارث می‌برند، وفای به عهد می‌داند (ر.ک: مؤمنون: ۸). بدیهی است انسانی که به وقوع روز جزا امید دارد و فرا رسیدن آن را در دل آرزو می‌کند، همواره به این مهم توجه دارد و آن را در سرلوحه زندگانی خویش قرار خواهد داد (ر.ک: اسراء: ۳۴).

پیامدهای ناامیدی

تا حال راه‌های تقویت امید آفرینی مورد بررسی قرار گرفت، و این مسأله روشن گردید که جایگاه امید آفرینی در تربیت دینی تا آنجا از اهمیت برخوردار است که سر منشأ اعتقادات مهم، و اعمال ارزشمند ریشه در امید ریشه دارد. گاهی متعلق امید داشتن روز لقاء الهی و روز قیامت است، گاهی متعلق امید داشتن رحمت و مغفرت الهی است و گاهی متعلق امید داشتن، امید دست یافتن به سود کلان و تجارت پرسود است. حال این پرسش هم مطرح است که اگر شخص امید نداشته باشد چه پیامدهای متوجه اوست؟ برای یأس و ناامیدی پیامدهای مختلف



ذکر شده است برخی از پیامدها به قرار زیر است:

۱. تکبر و خود محوری

« وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا » (فرقان / ۲۱) و کسانی که آمیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! طبق قانون طبیعی هر درختی که بار بیشتر دارد شاخه های سنگین تر و فرو افتاده تر است، در دنیای علم و دانش هم همین مطلب صادق است هر کس علم بیشتر دارد، تواضع اش هم بیشتر است، غالباً دیده شده است که ریشه های تکبر در نادانی بر می گردد، بنابراین دانایی سبب می شود که فرد و جامعه نسبت به هر پدیده با تأمل علمی و مکث کنجکاوانه از کنار آن عبور نماید، کسانی که اندیشه های کوتاه دارند زودتر به دام خود محوری و خود برتر بینی گرفتار می شوند.

۲. عبرت نگرفتن از حوادث گذشته

« وَ لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ فَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا » (فرقان / ۴۰).

آنها [مشركان مكه] از کنار شهری که باران شرّ [بارانی از سنگ های آسمانی] بر آن باریده بود [دیوار قوم لوط] گذشتند آیا آن را نمی دیدند؟! (آری، می دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند! امید نداشتن نسبت به روز قیامت سبب می شود که از آثار عذاب پیشینان که به دلیل انکار خدا بر آنها نازل شد را نبینند و عبرت نگیرند.

۳. رهایی و سرگردانی

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی» ها عجله دارند، خداوند در مجازاتشان شتاب می کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می رسد (و همگی نابود می شدند) ولی کسانی را که ایمان به لقای ما ندارند، به حال خود رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان شوند (یونس، آیه ۱۱) « وَ لَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ » (یونس آیه ۱۱)) انسان های که در نسبت به باورهای اساسی با حال شک و دو دلی برخورد می کند تبعا نسبت

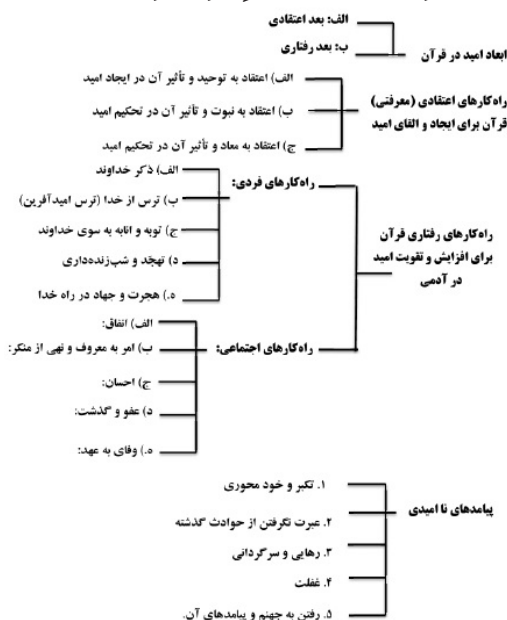
به مسئولیت های خودشان احساس تعهد ندارند معمولاً انسان یله و رهایی هستند، انسان رها همیشه در سرگردانی و تردید زندگی می کند و همانند وسواس های فکری و وسواس های عملی در سیستم زندگی شان اختلال شدید پدید می آورد.

۴. غفلت

« إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ » (یونس آیه ۷) آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند. یکی از آسیب های جدی غفلت در تربیت، از بین رفتن امکانات و استعداد های متربی است. نفس غفلت همانند چاله عظیم در پیش روی متربی است که وی به سمت سقوط در آن در حرکت است.

۵. رفتن به جهنم و پیامدهای آن

در سوره نبا آیات ۲۱ تا ۲۷ سوره نبا به عواقب امید نداشتن به روز قیامت و انکار نشانه های الهی اشاره می کند و علل تمام پیامدهای آن را (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ، و محل بازگشتی برای طغیانگران، مدت های طولانی در آن می مانند، در آنجا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی، جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون، این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)، چرا که آنها هیچ آمیدی به حساب نداشتند، و آیات ما را تکذیب کردند. «إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا».





کارکردهای تربیتی امید و نقش آن در سلامت روان

از نگاه قرآن امید با استفاده از رویکردهای شناختی حاصل می‌شود که ارکان آن را خودشناسی، خدانشناسی، خودباوری و خدا محوری، تشکیل می‌دهد. همه این‌ها وقتی امیدی پایدار را به همراه دارند که با رویکردهای رفتاری - عمل صالح - همراه شوند و هیچگاه از حد اعتدال خارج نگردند. لذا قرآن همیشه بیم و امید (خوف و رجاء) را در کنار هم مطرح و تأکید می‌نماید که هر دو در حد اعتدال باشند تا هیچ کدام از کارآمدی و حرکت و عمل آفرینی دیگری نکاهد؛ زیرا بیم و امید ابزاری برای عمل صالح و تقرب به سوی خداوند هستند و این هنگامی محقق خواهد شد که آن دو در حالت اعتدال قرار گیرند (نهج البلاغه، نامه ۷۱ و خطبه ۱۳۰). بر همین اساس کارکرد تربیتی امید - از دیدگاه قرآن - وقتی حاصل می‌شود که مطالب پیش گفته همزمان در انسان، ساری و جاری باشد.

۱- عامل حرکت و باعث عمل

امیدواری نسبت به رحمت خداوند، عامل تحرک و چالش‌های راستین انسان است که به انجام عمل نیک منجر می‌شود. خداوند در سوره زمر می‌فرماید: بگو به بندگانم که در ارتکاب گناه زیاده روی می‌کرده‌اند، از رحمت خدا مأیوس نباشند، خداوند همه گناهان را می‌بخشد و او بخشاینده مهربان است». امیدی که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پر ثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن به سعادت ابدی است. در آیه ۷۱۳ سوره بقره خداوند رسیدن به امید را مشروط به رویکرد شناختی

ایمان و رویکرد رفتاری هجرت و جهاد دانسته و در آیه ۱۱۰ سوره کهف آن را مشروط به انجام عمل صالح نموده است. این می‌رساند که میان امید و عمل رابطه تنگاتنگی است. از نگاه قرآن انسان برای رسیدن به امید باید در خود تحرک و تحول ایجاد نماید هم در رویکردهای شناختی و هم در رویکردهای رفتاری و این باعث پویایی فرد و جامعه شده، حس کارآمدی فرد و جامعه را بالا می‌برد و در نتیجه نقش مهمی در ایجاد سلامت و بهداشت روانی دارد.

۲- بالا بردن بازده کار

انسان امیدوار هیچ‌گاه از کار و تالش ناامید نمی‌شود تا این که به مقصد و مقصود برسد. انسان امیدوار از مشکلات و ناملازمات مأیوس نشده و همیشه در سایه رحمت الهی، امیدوار است. یعقوب (ع) به فرزنداناش در سوره یوسف می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَآخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُوْنَ» (یوسف: ۳۲). ای فرزندان بروید و از حال یوسف و برادرش تفحص کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید، همانا جز قوم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند.

۳- تقویت قدرت صبر و استقامت

یکی از اهداف تربیتی قرآن، صبر و شکیبایی است. با ایجاد امید و رجاء فرد می‌تواند این هدف تربیتی (صبر) را نیز قوت ببخشد. خداوند خطاب به پیامبر می‌تواند این هدف تربیتی (صبر) را نیز قوت ببخشد. خداوند خطاب به پیامبر می‌تواند این هدف تربیتی (صبر) را نیز قوت ببخشد. باید از انبوه مشکلات ترس و هراسی بر خود راه ندهد، صبر و استقامت و



امیرالمؤمنین علی علیه السلام

قَتَلَ الْفُؤُطُ صَاحِبَهُ

ناامیدی صاحب خود را میکشد

پایداری پیشه کند تا خداوند حکم و فرمان خود را برای پیروزی او بر دشمنان صادر کند، چرا که او بهترین حاکمان است. فرمانش حق و حکمش عدالت و وعده‌اش تخلف ناپذیر می‌باشد و به آنها که در راه خدا صبر و استقامت و پایمردی به خرج می‌دهند وعده پیروزی داده است (مکارم شیرازی، ۱۷۳۰ ش، ص ۱۰).

۴- تقویت حس شادکامی و نشاط

یکی از کارکردهای مهم امید لذت و شیرین‌کامی و راحتی است که در آینده برای انسان حاصل می‌شود. انسان امیدوار هم در این دنیا راحت و سالم زندگی می‌کند و هم در آخرت از نعمت‌های فراوان الهی بهره‌مند می‌گردد. انسان اگر به آینده‌های روشن امید داشته باشد، احساس نیکو و حالتی شاد به وی دست می‌دهد و باعث نشاط وی می‌شود. در او انگیزه تالش ایجاد شده و این انگیزه او را به فعالیت‌های صحیح زندگی وادار می‌کند. محققان دریافته‌اند که امید نقش مقتدرانه و شگفت‌آوری در زندگی ایفا می‌کند و در حیطه‌های گوناگون از موفقیت تحصیلی تا تحمل مشاغل پرزحمت حائز اهمیت است (مصباح یزدی، ۱۷۲۲ ش، ص ۱۰۱). مهمترین مؤلفه شاد بودن، امید به زندگی است و این تضمین‌کننده سلامت روحی جامعه است. بین شاد بودن و امید رابطه دوسویه است.

۵- تقویت حس کارآیی و کاردانی

امید باعث می‌شود که حس کارآیی و کاردانی در انسان تقویت شده و شاخص توانمندی به شکل چشمگیری در او بالا رود. یک تحقیق علمی نشان می‌دهد افرادی که امید زیادی دارند ویژگی‌های مشترکی از جمله توانایی برانگیختن خود، احساس کاردانی کافی برای یافتن راه‌های دستیابی و انعطاف‌پذیری الزام برای یافتن راه‌های مختلف جهت دستیابی به اهدافشان دارند (نظری منتظر، ۱۷۳۳ ش، صص ۱۰-۱). انسان امیدوار از نگاه قرآن می‌داند که باید حس کارآیی و کاردانی را در خود ایجاد و تقویت نماید تا بتواند جامعه را متحول سازد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن چه را در خودشان است تغییر دهند.

۶- تقویت حس دور اندیشی

انسان امیدوار چشم به آینده دارد، لذا تحت تأثیر هیجانات قرار نمی‌گیرد و بر اساس عقل و اندیشه تصمیم می‌گیرد. خداوند یکی از این شتاب‌زدگی در تصمیم را مربوط به امر طلاق می‌داند. تصمیم بر جدایی و طلاق غالباً تحت تأثیر هیجان‌های زودگذر است که با گذشت زمان و معاشرت مستمر مرد و زن در یک مدت نسبتاً طولانی و اندیشیدن در پایان کار، صحنه به کلی دگرگون می‌شود و بسیاری از جدایی‌ها به آشتی منجر می‌گردد. امید و رجایک حالت روانی است که در آن توجه به آینده ملحوظ است و منشأ پیدایش این حالت در انسان می‌شود. شخص امیدوار ایمان دارد که با صبر و تعمق در آینده می‌تواند امور خویش را اصلاح نماید. لذا هیچ‌گاه شتاب زده تصمیم نمی‌گیرد و حس آینده‌نگری در او تقویت شده و به سلامت روانی او کمک می‌کند.

۷- افزایش انرژی روانی

امید انرژی روانی انسان را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود انسان بر تلاش خود برای رسیدن به مقصود بیفزاید. انسانی که همیشه متوجه یک تکیه‌گاه عظیم و پایدار است، دارای روحیه قوی بوده و هیچ‌گاه از قدرت خداوند برای حل مشکلاتش غافل نمی‌شود. انسان امیدوار - از نگاه قرآن - با روح بلند ملکوتی خویش همیشه رو سوی خداوند دارد «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر: ۳۰-۲۷). ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت برگرد، درحالی که خشنود و خرسندی، پس در میان بندگان من و بهشت برین وارد شو.

۸- رهایی از احساس به بن بست رسیدن

انسان امیدوار هرگز خود را در بن بست نمی‌یابد و همواره در عمق تاریکی‌های مشکلات زندگی و مصایب و ناملایمات روزانه، به سوی روشنائی پیشروی خود حرکت می‌کند. شاید یکی از اسرار این که در اسالم و دیگر ادیان الهی، خودکشی ممنوع اعلام شده همین باشد که با امیدواری به خدا منافات دارد. خودکشی نشانه رسیدن به نهایت یأس و نومیدی است، حاکی از اعتقاد به بسته شدن همه درها و تسلیم شدن در برابر مشکلات زندگی است. اسالم به انسان اجازه نداده است که درباره هستی خود و دیگر امور





چنین بیندیشد، بلکه به انسان‌ها می‌آموزد که خدا انسان را به حال خود وانگذاشته و دائم با اوست. خداوند در آیه ۱۳ سوره حجر ناامیدان از رحمت الهی را ضالون و در آیه ۳۲ سوره یوسف کافرون می‌خواند. چنین تفکری باعث می‌شود که شخص با ایمان هیچ‌گاه حتی در نهایت ناملایمات احساس به بن بست رسیدن نکند.

۹ - کاهش ترس و اضطراب

هر کس امید به بهبودی امور و اصلاح کارها را از دست بدهد، نسبت به آینده و سرانجام کار دچار ترس و اضطراب می‌شود. چیزی که می‌تواند از ترس او کم کند و به اضطرابش خاتمه دهد امیدواری است. فرد مذهبی که ارزش‌های اسلامی را می‌شناسد و باور دارد، می‌داند سر رشته همه امور در دست خداست و او قادر بر هر کاری است (رعد: ۱۳) و ...

۱۰ - تخفیف و تسهیل مشکلات

یکی دیگر از کارکردهای تربیتی امید تخفیف و تسهیل مشکلات و سختی‌های ظاهری زندگی است. امیدی که در سایه رویکردهای شناختی و رفتاری حاصل می‌شود، انسان را رها شده در این دنیا نمی‌داند، مشکلات - هر چند ناگوار - عنایتی از فیض خدایی و آزمایشی در جهت تعالی است. زمانی که انسانیت انسان تحقق یافت و شخصیت والای انسانی و راه و روش شناخت صحیح آن مشخص گشت و بالاخره انسان، انسانیت خود را بازیافت به مدد تفضل و لطف خدا حقایق بدو الهام خواهد شد و از طریق خودسازی خشیت خویش را در حضور خدا خواهد دید و با قرب جوار با او زیست خواهد نمود (حجتی، ۱۷۳۳ ش، ص ۱۳).

نتیجه‌گیری

تلاش‌های روان‌شناسان، تلاشی است در خور توجه و شایسته ستایش، و به میزان قابل توجهی توانسته است دستاوردهای گران‌بهایی را در اختیار افراد قرار دهد و شباهت زیادی نیز با مفاهیم قرآنی موجود در این حوزه دارد. از این‌رو، پیرامون موضوع فوق در حوزه روان‌شناسی و قرآن، یافته‌های بشری بسیار شبیه به آموزه‌های قرآنی است. در ذیل، به برخی از مشترکات این دو حوزه اشاره می‌شود:

- امید به معنای انتظار برای دستیابی به هدف همراه با تلاش و عمل است.
- امید درمانی از دو مرحله اصلی تشکیل شده است: القای امید و افزایش امید.
- یادآوری داستان‌های امید آفرین و تمرکز بر موفقیت‌های گذشته، باعث ایجاد امید در آدمی می‌گردد.
- شناخت هدف و مانع، سبب حفظ امید در آدمی می‌شود.

- تفاوت‌های این دو حوزه نیز در امور زیر مشاهده می‌گردد:

- نظریه امید در قرآن، برخلاف روان‌شناسی براساس هدف خلقت بشر و در راستای تکامل اوست و اساس و شالوده آن، ایمان به خداوند سبحان است.

- الگوهای موجود در قرآن برای تحکیم امید (پیامبران و اولیای الهی) نسبت به الگوهای موجود در روان‌شناسی، از جایگاهی بسیار عظیم و والا برخوردارند.

- راهکارهای ارائه شده در نظریه امید در روان‌شناسی برای افزایش امید، عمدتاً جنبه فردی دارند، در حالی که قرآن کریم، علاوه بر ارائه راهکارهای فردی، به ارائه راهکارهای رفتاری

۱. عامل حرکت و باعث کمال
۲. بالا بردن بازده کار
۳. تقویت قدرت صبر و استقامت
۴. تقویت حس نشاط و شادکامی
۵. تقویت حس کارآیی و کاردانی
۶. تقویت حس دوراندیشی
۷. افزایش انرژی روانی
۸. رهبری از احساس به بن بست رسیدن
۹. کاهش ترس و اضطراب
۱۰. تخفیف و تسهیل مشکلات



کارکردهای تربیتی
امید

در حوزه اجتماع نیز پرداخته است.
- راهکارهای ارائه شده در نظریه امید، توسط مراجع و با کمک درمانگر تعیین می‌شود، اما در قرآن، از قبل به طور کامل از سوی خداوند تعیین و تعریف گشته‌اند.

فهرست منابع:

- قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.
- نهج البلاغه، (۱۷۲۳ ش.)، ترجمه حاج شیخ حسین انصاریان، چاپ اول، تهران: پیام آزادی.
- اریک فروم، انقلاب امید. (۱۷۲۱ ش.) ترجمه مجید روشنگر، تهران: انتشارات نی زار.
- اعرافی، علیرضا. (۱۷۲۳ ش.) درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، حسن، و همکاران (بی تا)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: مهارت.
- امینی. (۱۷۱۱ ش.) نقش بیم و امید در زندگی انسان، مجله مکتب اسلام، سال ۱۲، شماره ۱.
- پاپکین، ریچارد هنری و آورم استرول، (۱۱۰۳ ق.) کلیات فلسفه، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۷۳۷ ش.) غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری، تهران: بی جا، ج ۱.
- چاوشی، اکبر. (۱۷۲۲ ش.) بررسی مفهوم خوف و رجا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۷۳۳ ش.) گامی فراسوی روانشناسی اسلامی، چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حسکانی، (بی تا) شواهد التنزیل، تهران: مؤسسه چاپ و نشر، ج ۷.
- حسینی کوهساری، اسحاق. (۱۷۳۷ ش.) نگاهی قرآنی به فشار روانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲)، لغت نامه جلد ۸، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۱۱۳ ق.) مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عرفان داودی، بیروت: دار الشامیه.
- شعبانی، بختیار. (۱۷۲۱ ش.) بررسی روش‌های تأمین تندرستی و بهداشت روانی، مجله پیوند.
- صدر، سید محمد باقر (بی تا)؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه سید جمال موسوی همدانی، بی جا.

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۱۱۱ ق.) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۳.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۱۱۰ ق.) کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، ج ۷.

- فیض کاشانی، مال محسن. (۱۱۱۲ ق.) المحجبه البیضاء فی تهذیب اللحیاء، قم: انتشارات اسلامی، ج ۲.

- قربانی، زین العابدین، (۱۷۱۳ ش.) فلسفه آفرینش انسان، قم: انتشارات دارالتبلیغ الاسلامی.

- قمی شیخ عباس (بی تا)، مفاتیح الجنان، موسوی دامغانی، قم، ثقلین.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۷۲۲ ش.) الاصول من الکافی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ج ۷.

- کوپلر، الیزابت. (۱۷۲۳ ش) پایان راه، پیرامون مرگ و زندگی، تهران: رشد.

- مجلسی، محمد باقر. (۱۱۰۷ ق.) بحار النوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- محدث نوری، (۱۱۰۳ ق.) مستدرک الوسایل، قم: مؤسسه آل البیت، ج ۷.

- محمدی ری شهری، محمد. (۱۷۳۳ ش.) نقش آفرینی امید، مجله پاسدار اسلام، سال دوم، شماره ۳.

- مختاری مازندرانی، محمد حسین، (۱۷۲۱ ش.) صفات جمال و جلال خدا در نهج البلاغه، دفتر تبلیغات اسلامی.

- مصباح یزدی. محمد تقی، (۱۷۲۲ ش.) اخلاق در قرآن، به تحقیق: محمد حسین اسکندریان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ج ۱.

- معتمدی، غلامحسین. (۱۷۲۷ ش.) انسان و مرگ (درآمدی بر مرگ شناسی) تهران: نشر مرکز.

- معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی جلد ۱، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، ص ۲۵۶، واژه امید.

- معین، محمد. (۱۷۳۰ ش.) فرهنگ فارسی، یک جلدی، تهران: نشر سرایش.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۷۳۰ ش.) تفسیر نمونه، قم: دارالکتب السلامیه، ج ۱۳.

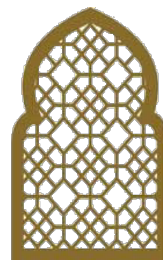
- نراقی، مال احمد، (۱۷۳۱ ش.) معراج السعاده، چاپ هما.

- نظری منتظر. (۱۷۳۳ ش.) قدرت مثبت اندیشی، تهران: نشر رشد.





همچو ریحانه



سید محمد امین آلیس (سماآ)
کارشناس ارشد زمین‌شناسی اقتصادی دانشگاه شیراز

که از صهبای خونین شد جهانی همچو میخانه
هم او جام و هم او باده هم او شور است و شیدایی
که صبر از نام او گردد شتابان مست مستانه
نباشد تاب نوشیدن از این ساغر مگر با دل
شود هر عاقلی مجنون، پریشان حال و دیوانه
حسن را خواهری یکتا و بی‌مانند بود اما
حسینش همچو شمعی بود و زینب همچو پروانه
حسینش گفت ای خواهر نماز شب چو می‌خواندی
فراموشم مکن هرگز به اذکاری جداگانه
میان کربلا گویا فقط لب‌های زینب شد
خضاب از بوسه‌ی خونین ثاراله پرستانه
پس از آن شام عاشورا، چه نوری بود در ظلمت
شد از آبادیش دلخون کلوخ و خشت ویرانه
اسیری بود او آزاد و در بندی رها از خود
که با لحن علی می‌خواند محکم خطبه شاهانه

شارت آمد از زهرا به حیدر کاندرا این خانه
چراغ دیگری روشن شود پرنور و فرزانه
چنین فرمود پیغمبر که جبریل آمد از عرش و
به گوشم گفت نامش را به رمز و راز و رندانه
پیغمبر نام او را گفت «زینب»، تا علی گردد
به لطف دختری زینت که باشد همچو ریحانه
گلی از جنت است آری که رضوان گشته میلادش
سرای حیدر و زهرا دگر شد همچو گلخانه
چه گویم گل که گلزاری ست زینب خود به تنهایی
گلستانی مجسم بود او در قلب کاشانه
عقیله، عارفه، ام‌المصائب، زینب کبری
بلیغه، فاضله، معصومه‌ی صغری و دردانه
شنید اسرار را از غیب و محرم همچو مادر شد
گرفت از ساقی کوثر چنان پیمان و پیمانه
چه سرتی گفت بر بالینش آن شب مادرش با او



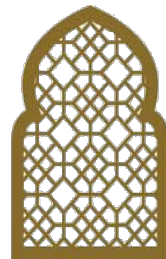
چو ابراهیم بود اما کلامش بود بُت‌افکن
که با هر خطبه‌اش می‌شد خراب از بیخ، بتخانه
چنان زینب کسی نشنید بانویی چنین والا
جهان دیگر نخواهد دید زن اینگونه مردانه
هزاران شاعر آر شعری بسازند از هزار آوا
نگردد ذره‌ای از هیبتش هیچ اسم و افسانه

چه سازد دستِ ناچیزم که شعرم نیست جز
گردی
به روی چادری کانجا دلم آویخت بیگانه
گدایی روسیاهم لیک دارم صد امید آری
که مرغِ عشقِ قلبم را ببخشند از عطا دانه





باغ چادر مادر



فهیمة رضاپرست

کارشناس ارشد فقه و حقوق دانشگاه شیراز

در کویر این دنیای وانفسا روحم بدجوری ترک برداشته بود.
لبانم خشک
زبانم خشک
چشمانم بی‌رمق
بدنم ضعیف و بیمار
در به در کوچه پس کوچه‌های دنیا.
یکباره دلم گفت:
مادر
قرار دل‌های بی‌قرار مادر.
باید برای دیدنش به جنات بروم.
جایی که می‌گویند جنات تجری من تحت الانهار است.
آدرسش را می‌دانستم قبلا هم رفته بودم.
پس بسم‌الله گفته و به حمد و ثنای الهی مشغول شدم و حرکت کردم.
حمد و ثنا که تمام شد نام خدا را به رشته تسبیح درآوردم؛
سی و چهار مرتبه از بزرگیش
سی و سه مرتبه از ستایشش
و سی و سه مرتبه از منزّه بودنش
حالا وقت ملاقات بود.
باید می‌دیدمش.
ولی مگر می‌شود مادر را دید و تمام قد نایستاد!
دیدمش
لمسش کردم
زانوانم سست شد و
به سجده افتادم.
ناگاه دری دیگر برویم باز شد.
یک باغ بود؛ باغ چادر مادر.

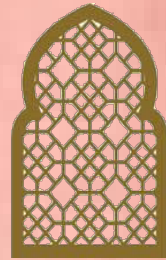
باغی بود پر از گل‌های رنگین و یاس و آسمانش
 پر از تلالو امید
 سر بر زمینش نهادم و بی‌قرار صد مرتبه صدا
 زدم "یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی".
 عشق از نگاه مادر سرازیر شد و وجودم را فراگرفت
 مستأصل گونه‌ی راستم را در کنارش گذاشتم.
 ناگهان گرمای دستش، تن خسته‌ام را مرهم شد.
 با تمام وجودم گریه کردم و صد مرتبه گفتم "یا
 مولاتی یا فاطمه اغیثینی".
 اشک‌هایم چادرش را خیس کرد.
 سر برداشتم تا بیش از این باغ چادرش، آلوده
 شوره زار وجودم نشود.
 خودش سرم را با نوازش بر زانوانش قرار داد.
 این مرتبه با گونه چپم به آغوشش پناه بردم.
 گویی دریچه‌ای باز شد و کویر وجودم را نسیمی
 نوازش داد.
 با اشک صد مرتبه دیگر عاشقانه صدایش زدم "یا
 مولایی یا فاطمه اغیثینی".
 باران محبتش شروع به باریدن کرد.
 ناگاه موسیقی صدایش سراسر باغ را دربرگرفت
 "لیک"

چنان از خود بی‌خود شدم که به سجده رفته
 و این بار صد و ده مرتبه نام رفیعی را به فریاد
 آمدم.
 سرم را از زانوانش برداشت و دست نوازشی بر
 سرم کشید و گفت: لیبک و لیبک.
 وجودم بارانی شد؛
 خیس از محبت و عشقش.
 کویر پایان یافت و روحم در میان لاله‌زار چادرش
 به پرواز درآمد.
 نگاه مهربانش بدرقه راهم شد و امید در وجودم
 جوانه زد.
 از باغ خارج شدم تا بیش از این خاطرش را
 نیازم؛
 ولی
 ولی
 مگر می‌شود دیگر برنگردم؟!
 من مرغ این باغم
 هرچند که رنگ و صدایم بهشتی نیست؛
 ولی ...
 ولی دوستش دارم!



مهر افزون

مهر افزون



زهرا شمشیری

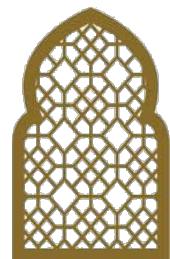
دانش آموخته حقوق دانشگاه شیراز

تو ای درمان درد بی‌دوایان
تو ای مهرت فزون بر بی‌نوایان
به لطف، جان غمگین را امان ده
به ما کم طاقتان، قدری توان ده
مدد کن در مسیرت جای گیریم
ز زیبایی تو نقشی پذیریم
سراسر زندگی را نیک بینیم
به آرامش کنار هم نشینیم
بدی‌ها را ز لوح جان بشویم
ز گلزارت، گلی پر عطر بوییم





شهادت مادرم زهرا (س) افسانه نیست



جمیله انصاریپور

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

فاطمه زهرا (س): شهادت یا وفات؟

منظور از شهادت فاطمه زهرا (س)، درگذشت فاطمه دختر پیامبر اسلام (ص) نه به مرگ طبیعی، بلکه در اثر آسیب‌های وارد شده از سوی برخی صحابه پیامبر (ص) است. موضوع شهادت یا مرگ طبیعی فاطمه (س) جزو موضوعات اختلافی بین شیعه و اهل سنت است (مهدی، الهجوم، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴). شیعیان با وجود برخی اختلافاتی که در نقل حوادث پس از رحلت پیامبر اسلام دارند، غالباً معتقدند فاطمه زهرا (س) به شهادت رسیده و این رخداد را ناشی از ضربه به پهلو و سقط جنین او می‌دانند. در مقابل، اهل سنت معتقدند که وی به مرگ طبیعی و در اثر بیماری و ناراحتی از رحلت رسول خدا (ص) درگذشته است (نگاه کنید به المدیهش، فاطمه

بنت النبی، ۱۴۴۰ق، ج ۳، ص ۴۳۱-۵۵۰).

شیعیان همه ساله در روزهایی موسوم به ایام فاطمیه، برای شهادت حضرت زهرا (س) عزاداری می‌کنند (مظاهری، فرهنگ سوگ شیعی، ۱۳۹۵ش، ص ۳۶۵). به همین مناسبت، روز سوم جمادی‌الثانی که بنا به نقل مشهورتر روز شهادت فاطمه بوده (شبیری، شهادت فاطمه (س)، ج ۱، ص ۳۴۷) در ایران تعطیل رسمی است و هیئت‌های عزاداری در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند. از آنجا که شیعیان، عامل اصلی شهادت فاطمه (س) را عمر بن خطاب می‌دانند، در بسیاری از مجالس عزاداری سخنانی در مذمت او گفته می‌شود (مظاهری، فرهنگ سوگ شیعی، ۱۳۹۵ش، ص ۳۶۶) و عده‌ای نیز او را لعن می‌کنند. همین نکته یکی از زمینه‌های اختلاف بین



شیعیان و اهل سنت است «نظر مراجع تقلید درباره توهین به مقدسات اهل سنت»، (سایت خبرگزاری مهر). موضوع شهادت فاطمه (س) حتی باعث شده است که برخی از شیعیان، روز نهم ربیع الاول را که بنا بر نقلی روز کشته شدن عمر بن خطاب شمرده شده، عید الزهرا (س) بخوانند و در آن شادی کنند (مسائلی، نهم ربیع، جهالت‌ها، خسارت‌ها، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۷-۱۱۹).

منابع شیعه و اهل سنت جهت اثبات یا ردّ موضوع:

منابع و دلایل شیعیان برای اثبات شهادت:

شیعیان با استناد به روایتی از امام کاظم (ع) که در آن فاطمه زهرا (س) صدیقه شهیده خوانده شده، وی را شهید می‌خوانند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۵۸). طبری در دلائل الامامه نیز روایتی از امام صادق (ع) آورده که علت شهادت فاطمه زهرا (س) را سقط جنین او در اثر ضربه دانسته است (طبری، دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۴). بنابراین روایت، این ضربه را قنفذ غلام عمر به دستور او وارد کرده است (همان). بنا بر روایتی دیگر که در نهج البلاغه نقل شده است، امام علی (ع) از جمع شدن امت برای ستم بر فاطمه سخن گفته است (نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۳۱۹، خطبه ۲۰۲). میرزا جواد تبریزی، از مراجع تقلید قرن پانزده قمری، سخنان امام علی (ع) هنگام دفن فاطمه (س)، روایت امام کاظم (ع)، روایت امام صادق (ع) در دلائل الامامه، مخفی بودن قبر فاطمه (س) و وصیت او به دفن شبانه را جزو دلایل اثبات شهادت به شمار آورده است (تبریزی، صراط النجاة، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۴۱).

منابع شیعه و اهل سنت به جزئیاتی از وقایع منتهی به درگذشت حضرت فاطمه (س) اشاره کرده‌اند: از جمله هجوم به خانه فاطمه و امام علی (ع)، سقط شدن جنین (محسن) او و همچنین سیلی زدن و تازیانه زدن به وی.

کهن‌ترین منبعی که در این باره مورد استناد شیعیان قرار گرفته، کتاب سلیم بن قیس هلالی است که در سده اول هجری نگاشته شده است. شیعیان همچنین شهادت فاطمه (س) را مستند به روایاتی دانسته‌اند که در منابع اهل سنت نیز وجود دارد. کتاب «الهجوم علی بیت فاطمه» در این باره روایاتی از ۸۴ راوی را در منابع اهل سنت نقل کرده است.

استناد شیعیان به منابع اهل سنت

شیعیان برای اثبات برخی از وقایع منتهی به شهادت فاطمه زهرا (س) به منابع متعددی از کتاب‌های حدیثی و تاریخی و حتی فقهی اهل سنت استناد کرده‌اند؛ به عنوان نمونه کتاب الهجوم علی بیت فاطمه با فهرست کردن ۸۴ راوی و نویسنده تلاش کرده است مجموعه گزارش‌های وارد شده در کتاب‌های اهل سنت درباره هجوم به خانه فاطمه را گردآوری کند (مهدی، الهجوم، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۴-۲۱۷). قدیمی‌ترین منبع در این فهرست، کتابی به نام المغازی نوشته موسی بن عقبه (درگذشته ۱۴۱ق) است (مهدی، الهجوم، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۴-۱۵۵).

حسین غیب‌گلامی (متولد ۱۳۳۸ش) نیز در کتاب «احراق بیت فاطمه فی الکتب المعتمده عند أهل السنة» بیش از ۲۰ روایت از کتاب‌ها و روایان اهل سنت را گردآوری کرده است. نخستین روایت او از کتاب المصنف ابن ابی شیبه (درگذشته ۲۳۵ق) غیب‌گلامی، احراق بیت فاطمه، ۱۳۷۵ش، ص ۷۹) و آخرین روایت در این کتاب، نقلی از کتاب کنز العمال نوشته متقی هندی (درگذشته ۹۷۷ق) است. غیب‌گلامی، احراق بیت فاطمه، ۱۳۷۵ش، ص ۱۹۲). همچنین در کتابی با عنوان «شهادت مادرم زهرا افسانه نیست»، ماجرای هجوم به خانه فاطمه از ۱۸ کتاب اهل سنت نقل شده است. این منابع، ماجرای تلاش برای بیعت گرفتن از امام علی و تهدید به آتش زدن خانه او در روز بیعت را با عبارتهای مختلف و از روایان متعدد نقل کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، شهادت مادرم زهرا افسانه نیست، ۱۳۸۸ش، ص ۲۵-۳۲).

آیا در منابع اهل تسنن، مطالبی دال بر

شهادت حضرت زهرا (س) وجود دارد؟

این حقیقت تاریخی، به طور زنده در کتاب‌های تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است. بزرگان اهل سنت مانند ابن ابی شیبه، بلاذری، ابن قتیبه و .. بر این مطلب اذعان دارند.

هتک حرمت خانه فاطمه زهرا (س) و شهادت آن حضرت:

در این مورد، نصوصی را از کتب اهل سنت نقل می‌نماییم، تا روشن شود که مسأله هتک حرمت خانه زهرا (علیها السلام) و رویدادهای بعدی، یک امر تاریخی مسلم است نه یک افسانه! و با



اینکه در عصر خلفا سانسور فوق‌العاده‌ای نسبت به نگارش فضایل و مناقب در کار بود؛ ولی به حکم اینکه «حقیقت شیء نگاهیان آن است»، این حقیقت تاریخی به طور زنده در کتاب‌های تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است و ما در نقل مدارک، ترتیب زمانی را از قرن‌های نخستین در نظر می‌گیریم، تا برسد به نویسندگان عصر حاضر.

۱. ابن ابی شیبہ و کتاب «المصنّف»

ابوبکر ابن ابی شیبہ (۱۵۹-۲۳۵) مؤلف کتاب المصنّف به سندی صحیح چنین نقل می‌کند: هنگامی که مردم با ابی بکر بیعت کردند، علی و زبیر در خانه فاطمه به گفتگو و مشاوره می‌پرداختند، و این مطلب به عمر بن خطاب رسید. او به خانه فاطمه آمد، و گفت: ای دختر رسول خدا، محبوبترین فرد برای ما پدر تو است و بعد از پدر تو خود تو، ولی سوگند به خدا این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند من دستور دهم خانه را بر آنها بسوزانند. این جمله را گفت و بیرون رفت، وقتی علی (علیه السلام) و زبیر به خانه بازگشتند، دختر گرامی پیامبر (علیها السلام) به علی (علیه السلام) و زبیر گفت: عمر نزد من آمد و سوگند یاد کرد که اگر اجتماع شما تکرار شود، خانه را بر شما بسوزاند، به خدا سوگند! آنچه را که قسم خورده است انجام می‌دهد (مصنّف ابن ابی شیبہ: ۵۷۲/۸، کتاب المغازی).

۲. بلاذری و کتاب «انساب الاشراف»:

احمد بن یحیی جابر بغدادی بلاذری (متوفای ۲۷۰) نویسنده معروف و صاحب تاریخ بزرگ، این رویداد تاریخی را در کتاب «انساب الاشراف» به نحو یاد شده نقل می‌کند. ابوبکر به دنبال علی (علیه السلام) فرستاد تا بیعت کند، ولی علی (علیه السلام) از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد، و با فاطمه در مقابل باب خانه روبرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطاب، می‌بینم در صدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت: بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است!! (انساب الاشراف: ۵۸۶/۱ طبع دار معارف، قاهره).

۳. ابن قتیبہ و کتاب «الإمامة و السياسة»:

مورخ شهیر عبدالله بن مسلم بن قتیبہ دینوری (۲۱۲-۲۷۶) از پیشوایان ادب و از نویسندگان پرکار حوزه تاریخ اسلامی است، مؤلف کتاب «تأویل مختلف الحدیث»، و «ادب الکاتب» و ... وی در کتاب «الإمامة و السياسة» چنین می‌نویسد: ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سربرداشتند و در خانه علی گرد آمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی (علیه السلام) آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را بر سرتان آتش می‌زنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفص (کنیه عمر) در این خانه، فاطمه، دختر پیامبر است، گفت: باشد (الإمامة و السياسة: ۱۲، چاپ مکتبه تجاریه کبری، مصر). ابن قتیبہ





دنباله این داستان را سوزناکتر و دردناکتر نوشته است، او می‌گوید: عمر همراه گروهی به در خانه فاطمه آمدند، در خانه را زدند، هنگامی که فاطمه صدای آنان را شنید، با صدای بلند گفت: ای رسول خدا پس از تو چه مصیبت‌هایی به ما از فرزند خطاب و ابی قحافه رسید، وقتی مردم که همراه عمر بودند صدای زهرا و گریه او را شنیدند برگشتند، ولی عمر با گروهی باقی ماند و علی را از خانه بیرون آوردند، نزد ابی بکر بردند و به او گفتند، بیعت کن، علی (علیه السلام) گفت: اگر بیعت نکنم چه می‌شود؟ گفتند: به خدایی که جز او خدایی نیست، گردن تو را می‌زنیم ... (همان: ص ۱۳).

مسئله این بخش از تاریخ برای علاقمندان به شیخین بسیار سنگین و ناگوار می‌باشد و لذا برخی بر آن صدد آمدند که در نسبت کتاب به ابن قتیبه تردید کنند، در حالی که ابن ابی الحدید استاد فن تاریخ، این کتاب را از آثار او می‌داند و پیوسته از آن مطالبی نقل می‌کند، متأسفانه این کتاب به سرنوشت تحریف دچار شده و بخشی از مطالب آن به هنگام چاپ از آن حذف شده است در حالی که همان مطالب در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است. «زرکلی» در اعلام این کتاب را از آثار ابن قتیبه می‌داند سپس می‌افزاید: که برخی از علما در این نسبت نظری دارند. یعنی شک و تردید را به دیگران نسبت می‌دهند نه به خویش، همچنان که الیاس سرکیس معجم المطبوعات العربیة: (۲۱۲/۱). این کتاب را از آثار ابن قتیبه می‌داند.

۴. طبری و تاریخ او:

محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰) در تاریخ خود رویداد قصد هتک حرمت خانه وحی را چنین بیان می‌کند: عمر بن خطاب به خانه علی آمد در حالی که گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. وی رو به آنان کرد و گفت: به خدا سوگند خانه را به آتش می‌کشم مگر اینکه برای بیعت بیرون بیایید. زبیر از خانه بیرون آمد در حالی که شمشیر کشیده بود، ناگهان پای او لغزید و شمشیر از دستش افتاد، در این موقع دیگران بر او هجوم آوردند و شمشیر را از دست او گرفتند (تاریخ طبری: ۴۴۳/۲، چاپ بیروت).

این بخش از تاریخ حاکی از آن است که اخذ بیعت برای خلیفه با تهدید و ارباب صورت می‌پذیرفت حالا این نوع بیعت چه ارزشی دارد؟ خواننده باید خود داوری نماید.

۵. ابن عبد ربّه و کتاب «العقد الفرید»:

شهاب الدین احمد معروف به «ابن عبد ربّه اندلسی» مؤلف کتاب «العقد الفرید» متوفای (۴۶۳ هـ) در کتاب خود بحثی مشروح درباره تاریخ سقیفه آورده و تحت عنوان کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف جستند چنین می‌نویسد: علی و عباس و زبیر در خانه فاطمه نشسته بودند که ابوبکر عمر بن خطاب را فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون کند و به او گفت: اگر بیرون نیامدند، با آنان نبرد کن! و در این موقع عمر بن خطاب با مقداری آتش به سوی خانه فاطمه رهسپار شد تا خانه را بسوزاند، در این موقع با فاطمه روبرو شد. دختر پیامبر گفت: ای فرزند خطاب آمده‌ای خانه ما را بسوزانی، او در پاسخ گفت: بلی مگر این که در آنچه امت وارد شدند، شما نیز وارد شوید (عقد الفرید: ۹۳/۴، چاپ مکتبه هلال).

تا اینجا بخشی که در آن به تصمیم به هتک حرمت تصریح شده است پایان پذیرفت، اکنون به دنبال بخش دوم که حاکی از جامه عمل پوشاندن این نیت است، می‌پردازیم.

آیا یورش انجام گرفت؟

در این جا سخنان آن گروه که فقط به سوء نیت خلیفه و یاران او اشاره کردند به پایان رسید، گروهی که نخواستند و یا نتوانستند دنباله فاجعه را به طور روشن منعکس کنند، در حالی که برخی، به اصل فاجعه یعنی یورش به خانه و ... اشاره نموده و تا حدی نقاب از چهره حقیقت برافکنند، اینک در اینجا به مدارک یورش و هتک حرمت اشاره می‌نماییم: (در این بخش نیز در نقل مصادر غالباً ترتیب زمانی را در نظر می‌گیریم).

۶. ابو عبید و کتاب «الاموال»:

ابو عبید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴) در کتاب خود به نام «الاموال» که مورد اعتماد فقیهان اسلام است نقل می‌کند: عبدالرحمن بن عوف می‌گوید: که من در بیماری ابوبکر برای عیادت او وارد خانه او شدم پس از گفتگوی زیاد به من گفت: آرزو می‌کنم ای کاش سه چیز را که انجام داده‌ام، انجام نمی‌دادم، همچنان که آرزو می‌کنم ای کاش سه چیز را که انجام نداده‌ام، انجام می‌دادم. همچنین آرزو می‌کنم سه چیز را از پیامبر سؤال می‌کردم. اما آن سه چیزی که انجام داده‌ام و آرزو می‌کنم که ای کاش انجام نمی‌دادم



عبارتند از: ای کاش پرده حرمت خانه فاطمه را نمی‌گشودم و آن را به حال خود وا می‌گذاشتم هر چند برای جنگ بسته شده بود. (الأموال: پاورقی ۴، چاپ نشر کلیات ازهریه، الأموال، ۱۴۴، بیروت و نیز ابن عبد ربه در عقد الفرید: ۹۳/۴) نقل کرده است: ابو عبید هنگامی که به اینجا می‌رسد به جای جمله: «لم أکشف بیت فاطمة و ترکته...» می‌گوید: کذا و کذا. و اضافه می‌کند که من مایل به ذکر آن نیستم! ولی هرگاه «ابو عبید» روی تعصب مذهبی یا علت دیگر از نقل حقیقت سربرتافته است؛ محققان کتاب «الاموال» در پاورقی می‌گویند: جمله‌های حذف شده در کتاب «میزان الاعتدال» (به نحوی که بیان گردید) وارد شده است، افزون بر آن، «طبرانی» در «معجم» خود و «ابن عبدربه» در «عقد الفرید» و افراد دیگر جمله‌های حذف شده را آورده‌اند (دقت کنید).

در خانه را بسته بودند (عقد الفرید: ۹۳/۴، چاپ مکتبه الهلال).

و نیز اسامی و عبارات و شخصیت‌هایی که این بخش از گفتار خلیفه را نقل کرده‌اند خواهد آمد.

۷. طبرانی و معجم کبیر:

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰-۳۶۰) که ذهبی در «میزان الاعتدال» در حق او می‌گوید: فرد معتبری است (میزان الاعتدال: ج ۲، ص ۱۹۵). در کتاب «المعجم الکبیر» که کارا چاپ شده است، آنجا که درباره ابوبکر و خطبه‌ها و وفات او سخن می‌گوید، یادآور می‌شود: ابوبکر به هنگام مرگ، اموری را تمنا کرد. ای کاش سه چیز را انجام می‌دادم. ای کاش سه چیز را از رسول خدا سؤال می‌کردم. درباره آن سه چیزی که انجام داده و آن روز کرد که ای کاش انجام نمی‌داد، چنین می‌گوید: آن سه چیزی که آرزو می‌کنم که ای کاش انجام نمی‌دادم، آرزو می‌کنم که هتک حرمت خانه فاطمه نمی‌کردم و آن را به حال خود واگذار می‌کردم (معجم کبیر طبرانی: ۶۲/۱، شماره حدیث ۳۴، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی). این تعبیرات به خوبی نشان می‌دهد که تهدیدهای عمر تحقق یافت.

۹. سخن نظام در کتاب «الوافی بالوفیات»:

ابراهیم بن سیار نظام معتزلی (۱۶۰-۲۳۱) که به خاطر زیبایی کلامش در نظم و نثر به نظام معروف شده است در کتاب‌های متعددی، واقعه بعد از حضور در خانه فاطمه (علیها السلام) را نقل می‌کند. او می‌گوید: عمر در روز اخذ بیعت برای ابی بکر، بر شکم فاطمه زد، او فرزندی که در رحم داشت و نام او را محسن نهاده بودند، سقط کرد! (دقت کنید الوافی بالوفیات: ۱۷/۶، شماره ۲۴۴۴، ملل و نحل شهرستانی: ۵۷/۱، چاپ دار المعرفة، بیروت).

۱۰. مبرّد در کتاب «کامل»:

محمد بن یزید بن عبدالاکبر بغدادی (۲۱۰-۲۸۵) ادیب، و نویسنده معروف و صاحب آثار گران‌سنگ، در کتاب «الکامل» خود، از عبدالرحمن بن عوف داستان آرزوهای خلیفه را می‌نویسد، و چنین یادآور می‌شود: آرزو می‌کردم ای کاش بیت فاطمه را نمی‌گشودم و آن را رها می‌نمودم هر چند برای جنگ بسته باشد (شرح نهج البلاغه: ۴۶/۲ و ۴۷، چاپ مصر).

۸. ابن عبد ربه و «عقد الفرید»:

ابن عبد ربه اندلسی مؤلف کتاب «العقد الفرید» (متوفای ۴۶۳ هـ) در کتاب خود از عبدالرحمن بن عوف نقل می‌کند: من در بیماری ابی بکر بر او وارد شدم تا از او عیادت کنم، او گفت: آرزو می‌کنم که ای کاش سه چیز را انجام نمی‌دادم و یکی از آن سه چیز این است: ای کاش خانه فاطمه را نمی‌گشودم هر چند آنان برای نبرد

۱۱. مسعودی و «مروج الذهب»:

مسعودی (متوفای ۳۲۵) در مروج الذهب می‌نویسد: آنگاه که ابوبکر در حال احتضار چنین گفت: سه چیز انجام دادم و تمنا می‌کردم که ای کاش انجام نمی‌دادم یکی از آن سه چیز: آرزو می‌کردم که ای کاش هتک حرمت خانه زهرا را





نمی‌کردم و در این مورد سخن زیادی گفتم! (مروج الذهب: ۳۰/۱/۲، چاپ دار اندلس، بیروت). مسعودی با اینکه نسبت به اهل بیت گرایش‌های نسبتاً خوبی دارد، ولی باز اینجا از بازگویی سخن خلیفه خودداری کرده و با کنایه رد شده است، البته خدا می‌داند و بندگان خدا هم اجمالاً می‌دانند.

۱۲. ابن ابی دارم در کتاب «میزان الاعتدال»:

«احمد بن محمد معروف به «ابن ابی دارم»، محدث کوفی (متوفای سال ۳۵۷)، کسی که محمد بن احمد بن حماد کوفی درباره او می‌گوید: «کان مستقیم الأمر، عامه دهره»: او در سراسر عمر خود پوینده راه راست بود. با توجه به این موقعیت، نقل می‌کند که در محضر او این خبر خوانده شد: عمر لگدی بر فاطمه زد و او فرزندی که در رحم به نام محسن داشت سقط کرد (میزان الاعتدال: ۴۵۹/۳).

۱۳. عبدالفتاح عبدالمقصود و کتاب «الإمام

علی»:

وی هجوم به خانه وحی را در دو مورد از کتاب خود آورده است و ما به نقل یکی بسنده می‌کنیم: قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا باید بیرون بیاید یا خانه را بر ساکنانش آتش می‌زنم. عده‌ای که از خدا می‌ترسیدند و رعایت منزلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را پس از او می‌کردند، گفتند: «باحفص، فاطمه در این خانه است». بی‌پروا فریاد زد: «باشد!!». نزدیک شد، در زد، سپس با مشت و لگد به در کوبید تا به زور وارد شود. علی (علیه السلام) پیدا شد. طنین صدای زهرا در نزدیکی مدخل خانه بلند شد. این ناله استغاثه او بود! (عبدالفتاح عبدالمقصود، علی بن ابی طالب: ۲۷۶/۴-۲۷۷).

این بحث را با حدیث دیگری از «مقاتل ابن عطیة» در کتاب الامامة و السياسة پایان می‌دهیم (هر چند هنوز ناگفته‌ها بسیار است). او در این کتاب چنین می‌نویسد: «هنگامی که ابوبکر از مردم با تهدید و شمشیر و زور بیعت گرفت، عمر، قنغد و جماعتی را به سوی خانه علی و فاطمه (علیها السلام) فرستاد، و عمر هیزم جمع کرد و در خانه را آتش زد (کتاب الامامة و الخلافة، ص ۱۶۰ و ۱۶۱، تألیف مقاتل بن عطیة که با مقدمه‌ای از دکتر حامد داود استاد دانشگاه عین الشمس قاهره به چاپ رسیده، چاپ بیروت، مؤسسه البلاغ). و در ذیل این روایت تعبیرات دیگری است که قلم از

بیان آن عاجز است.

نتیجه‌گیری

آیا با این همه مدارک روشن که عموماً از منابع اهل سنت نقل شده است باز هم می‌گویند «افسانه شهادت ...!» انصاف کجاست؟! به یقین هر کس این بحث کوتاه و مستند به مدارک روشن را بخواند می‌فهمد بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چه غوغائی برپا شد، و برای نیل به حکومت و خلافت چه‌ها کردند، و این اتمام حجت الهیة برای همه آزاداندیشان دور از تعصب است.

منابع

– ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.

– ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، ۲۰۰۲م. ابن عبد ربه، احمد بن محمد، العقد الفرید، تحقیق مفید محمد قمیحه و عبدالمجید ترحینی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.

– ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، الهیئة المصریة العامه للکتاب، ۱۹۶۰م.

– ابن تیمیه، محمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، تحقیق محمد رشاد سالم، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الإسلامیة، ۱۴۰۶ق.

– الله اکبری، محمد، ازدواج ام کلثوم و عمر از نگاه فریقین، در مجله طلوع، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۶ش. الله اکبری، محمد، «محسن بن علی»، در مجله طلوع، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۸ش.

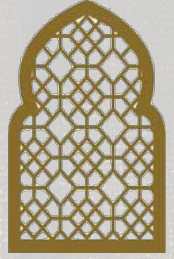
– المدیهش، ابراهیم بن عبدالله، فاطمة بنت النبی سیرت‌ها، فضائل‌ها، مسندها، ریاض، دار الال و الصحب، ۱۴۴۰ق.

– بیت الاحزان فی ذکر احوال سیده نساء العالمین، بقیة الله، شماره ۸۵، ربیع الثانی، ۱۴۱۹ق. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفه احوال صاحب الشریعه، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.

– تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم، مکتب حضرت آیت الله العظمی التبریزی، ۱۴۱۸ق. این کتاب در اصل صراط النجاة آیت الله خوئی است که با تعلیقات آیت الله تبریزی منتشر شده است.

سایت:

<http://www.tebyan.net>

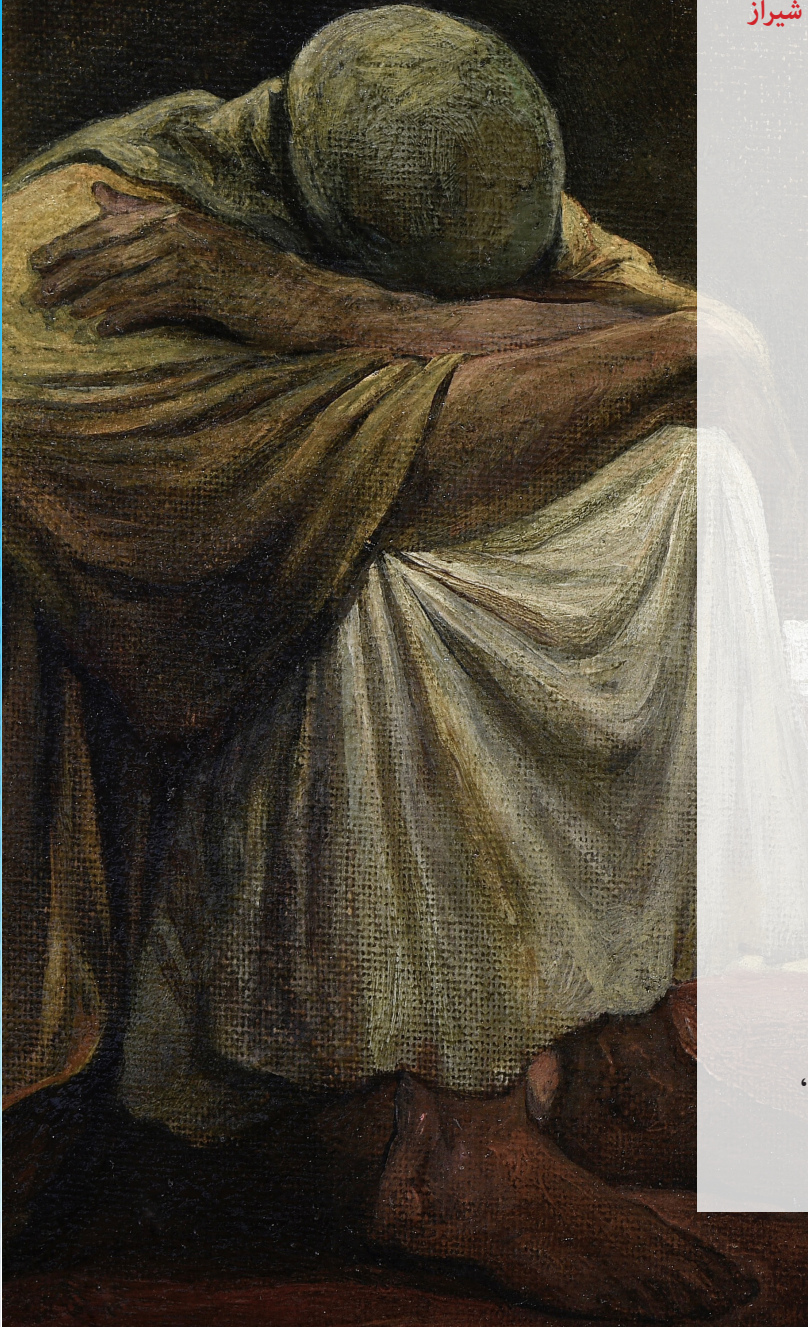


شکست قلبِ خدا

سید محمد امین آل یس (سَمَاء)

کارشناس ارشد زمین‌شناسی اقتصادی دانشگاه شیراز

هجوم، نقطه‌ی آغازِ فتنه بود آن شب
 درندگانِ حریصی حرام‌لقمه و پست
 هوس برای خلافت چه کرد، واویلا ...!
 حریمِ خانه‌ی زهرا ... حریمِ ریحانه ...
 حریمِ حرمتِ مولا شکستِ پهلویش؛
 میان آن در و دیوار، مادری تنه‌است
 میان آتش کینه، میان آتش حرص
 میان آن همه نامردِ رذلِ نامحرم
 دریغ یاسِ کبودیِ غریبِ پر پر شد!
 شکست قلبِ خدا، بشکند عمارتِ ظلم،
 شکسته باد دو پایی که روی در کوبید،
 شکسته باد دو دستی که تازیانه گرفت،
 بریده باد دو دست کسی که سیلی زد ...
 درونِ کوچه در آن شب اسیر می‌بردند
 اسیر نه که شاه و امیر می‌بردند
 که عشقِ فاطمه را دستگیر می‌بردند
 چه می‌گذشت در آن دل، فقط خدا داند!
 جدا شدند دو عاشق، خدا رسد بر داد!
 چه شد در آن شبِ منحوسِ زشتِ ظلمانی
 که از سیاهیِ دردش جهان عقوبت شد.
 چگونه شعر بگویم از آخرین ساعات؟؟
 همین که نایِ علی سخت «کلمینی» گفت،
 قلم دگر ننوشت و نفس برید از غم ...



نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی
گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی
تو پیک خلوت رازی و دیده بر سر راحت
به مردمی نه به فرمان چنان بران که تو دانی
بگو که جان عزیزم ز دست رفت خدا را
ز لعل روح فزایش ببخش آن که تو دانی
من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی
خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است
اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی
امید در کمر زرکشت چگونه ببندم
دقیقه‌ایست نگارا در آن میان که تو دانی
یکیست ترکی و تازی در این معامله حافظ
حدیث عشق بیان کن بدان زبان که تو دانی

حافظ







طه‌ورا

